

## پرونده کشتار ۶۷ جنایت علیه بشریت

در آستانه "روز جهانی حقوق بشر"، گروهی از کارشناسان حقوق بشر سازمان ملل به رژیم جمهوری اسلامی هشدار دادند که تخلفات حقوق بشری پیشین و ادامه‌دار این رژیم در مورد پرونده کشتار زندانیان در تابستان سال ۱۳۶۷ می‌تواند جنایت علیه بشریت محسوب شود و اگر این تخلفات ادامه یابد، تقاضای تحقیقات بین‌المللی خواهند کرد. در پی آن "سازمان عفو بین الملل" روز چهارشنبه ۱۹ آذرماه طی بیانیه‌ای هشدار این گروه از کارشناسان حقوق بشر سازمان ملل به حکومت جمهوری اسلامی در مورد تخلفات حقوق بشری و در مورد پرونده کشتار زندانیان در تابستان ۱۳۶۷ را اقدامی بی‌سابقه و نقطه عطفی در سه دهه مبارزه برای پایان دادن به این جنایات خوانده است.

۳۲ سال پیش در تابستان سال ۱۳۶۷ رژیم اسلامی پس از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت و آتش بس در جنگ ارتجاعی ایران و عراق و نوشیدن جام زهر دست به جنایتی هولناک زد که هنوز هم آثار و اسناد و ناگفته‌های آن موضوع کار پژوهشگران برای ساختن یک حافظه تاریخی است. شکل دادن به یک حافظه تاریخی تا این جنایات فراموش نشوند و امر دادخواهی ممکن گردد. در آن زمان خمینی و مشاوران اصلی‌اش رفسنجانی، خامنه‌ای و حسن روحانی که نگران گسترش اعتراضات کارگران و مردم ایران بعد از شکست زبونانه رژیم در جنگ ارتجاعی با عراق بودند با هدف مرعوب کردن مردم به جان آمده از جنگ و فلاکت اقتصادی، برای کشتار زندانیان برنامه ریزی کردند. پروژه قتل عام ←

## اطلاعیه مشترک در حمایت از اعتراضات اخیر مردم کردستان عراق و محکومیت سرکوبگری حکومت اقلیم کردستان



## اطلاعیه کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران به مناسبت ۱۶ آذر روز دانشجو



## مروری بر مبارزات طبقاتی در خشان جنبش کارگری در هفت تپه



## دو «مطلق» طبقاتی!



## "خانه تکانی" چپ!؟



## جمهوری اسلامی برای واکسن کرونا نیز بودجه ای نمی دهد!

## جهان امروز

### نشریه سیاسی حزب کمونیست ایران

۱۵ روز یک بار منتشر می‌شود!

سر دبیر: هلمت احمدیان

زیر نظر هیئت تحریریه

اگر مایلید جهان امروز را از طریق پست الکترونیکی دریافت دارید، آدرس خود را برای ما ارسال کنید.

halmatean@hotmail.com

- \* جهان امروز تنها مطالبی که صرفاً برای این نشریه ارسال شده باشد را چاپ می‌کند.
- \* استفاده از مطالب جهان امروز با ذکر ماخذ آزاد است.
- \* مسئولیت مطالب با امضا "جهان امروز" تحریریه نشریه است.
- \* جهان امروز در ویرایش و کوتاه کردن مطالب رسیده آزاد است. این امر قبل از چاپ به اطلاع نویسنده می‌رسد.
- \* مطالب جهان امروز با برنامه "ورد فارسی" تایپ می‌شود و حداکثر سقف مطالب ارسالی سه صفحه ۴۱ با سایز ۱۲ است.

➔ و کشتار زندانیان سیاسی در زندان های ایران بعد از سرکشیدن جام زهر و بر اساس فرمان خمینی آغاز شد. در آن زمان ارتباط زندان های اصلی ایران با دنیای خارج به تمامی قطع شد و طی حدود دو ماه جنایتی رقم خورد که جنبش دادخواهی علیه آن داغ ننگ این جنایت را بر پیشانی جمهوری اسلامی حک کرده است. بر اساس فرمان خمینی، هیئت ویژه ای که بعدها به هیئت مرگ شهرت پیدا کرد، مسئول اجرای پروژه کشتار زندانیان سیاسی شدند. در آن روزها دستگاه کشتار رژیم اسلامی هزاران زندانی با گرایشات مختلف سیاسی را به جوخه مرگ سپرد. منتظری در کتاب خاطرات خود با استناد به گزارش های دریافتی تعداد آنها را ۲۸۰۰ تا ۳۸۰۰ نفر ذکر کرده است و بر اساس برخی گزارشها بین ۵ تا ۶ هزار انسان مبارز در این جنایت هولناک جانشان را بر سر ایستادگی بر عقاید و باورهایشان از دست دادند. به دنبال این جنایت، رژیم پیکر بی جان هزاران تن از این قربانیان را در گورهای جمعی در گورستان خاوران دفن کرد.

در زمان و قوع کشتار خونین ۶۷، دولت های اروپا و آمریکا و کارشناسان حقوق بشر سازمان ملل نه تنها به این کشتار اعتراض نکردند بلکه به طور محرمانه بر آن مهر تأیید زدند. رسانه های به اصطلاح آزاد قدرت های امپریالیستی آگاهانه بر فاجعه کشتار هزاران نفر از زندانیان سیاسی سرپوش گذاشتند. دولت های غربی این مدافعین دروغین حقوق بشر که سیاست یاری رساندن به تثبیت حاکمیت رژیم اسلامی در پیش گرفته بودند، دست سران رژیم در انجام این کشتار را باز گذاشتند. آنان پس از وادار کردن سران رژیم به قبول شکست در جنگ ایران و عراق و سر کشیدن جام زهر، به حکام اسلامی ایران چراج سبز دادند که برای ممانعت از خیزش های انقلابی و امن کردن ایران برای استثمار و چپاول سرمایه داری جهانی، می توانند دست به هر جنایتی بزنند.

به همین دلیل سازمان ملل که کلوب بین المللی این قدرت های سرمایه داری است در مورد این جنایت خونین سیاسی، خفقان گرفت و در خفا مهر تأیید بر آن کوبید.

تا زمانی که جمهوری اسلامی به زیر کشیده نشده است نباید انتظار دادخواهی داشت، بنابراین لازم است که این جنبش با جنبش کارگری و دیگر جنبش های اجتماعی و اعتراضی پیوند بخورد. کارشناسان سازمان ملل اما در نامه اخیر خود به مقامات جمهوری اسلامی ایران، تأکید کرده اند که ناپدیدسازی های قهری قربانیان «تا زمان روشن شدن سرنوشت و محل دفن» آنها همچنان ادامه خواهد یافت. با اینحال فقط تداوم جنبش دادخواهی و پیوند آن به دیگر جنبش های پیشرو اجتماعی است که می تواند به این نوع فشارها جنبه اجرایی ببخشد و مانع آن شود که پرونده کشتار زندانیان سیاسی در سال ۶۷ به وجه المصلحه جدال و کشمکش رژیم اسلامی بر سر برنامه هسته ای و سیاست های منطقه ای آن با قدرت های سرمایه داری غربی تبدیل گردد.



اکنون در آستانه "روز جهانی حقوق بشر"، گروهی از کارشناسان حقوق بشر سازمان ملل به رژیم

تماس با  
کمیته تشکیلات دلال کشور  
حزب کمونیست ایران

hvefaalin@gmail.com

تلفن، فکس و پیامگیر

- ۰۰۹۶۴۷۷۰۰۶۰۳۶۵۳
- ۰۰۴۳۶۶۰۱۱۹۵۹۰۷
- ۰۰۴۶۷۳۷۱۵۴۴۱۸
- ۰۰۴۶۷۳۶۸۷۳۰۱۴

تماس با کمیته تشکیلات  
دلال کومه له (تکشر)

takesh.komalah@gmail.com



## اطلاعیه مشترک

در حمایت از اعتراضات اخیر مردم کردستان عراق  
و محکومیت سرکوبگری حکومت اقلیم کردستان

و برای تداوم و هدایت اعتراضات خود، لازم است تشکل های سراسری و نهادهای توده ای از قبیل کمیته های انقلابی و شوراهای محل کار و زیست ایجاد کنند و با سازماندهی خود در آن نهادها مهر موجودیت و اعمال اراده خود را بر اعتراضات بکوبند و بنیان یک حاکمیت مردمی و شورایی را در کردستان بنا نهند. احزاب و جریانات و فعالین چپ و کمونیست باید در این اعتراضات شرکت و حضور فعال داشته باشند و در این راستا ایفای نقش و وظیفه نمایند و موقعیت جریان سوسیالیست در جامعه را تحکیم بخشند.

ما نیروهای متشکل در "شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست" حمایت و پشتیبانی بی دریغمان را از خواست ها و مطالبات مردم محروم کردستان اعلام می کنیم و حمله نیروهای حکومت اقلیم را به مردم حق طلب قویا محکوم می کنیم.

زنده باد اعتراضات

مردم حق طلب کردستان عراق

زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم

۱۹ آذر ۱۳۹۹ - نهم دسامبر ۲۰۲۰

امضاها:

اتحاد فدائیان کمونیست، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری-حکمتیست، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت) و هسته اقلیت



"تلاش برای برهم زدن و ویرانی و آتش زدن و هرج و مرج" نام برده و گفته هدفشان برهم زدن استقرار و آرامش کردستان است و کسانی می خواهند از اعتراضات به نفع خود استفاده کنند. او دستور داده که متخلفین را دستگیر و محاکمه کنند.

اعتراضات در کردستان عراق که بیش از دو دهه است تحت حاکمیت احزاب ناسیونالیست کردستان قرار دارد، امر تازه ای نیست. این خروش مردمی است که در زیر سایه "حکومت خودی" هر روز بیش از پیش فقیرتر، محروم تر و تنگدست تر گشته اند. این در حالی است که سران و مسئولان احزاب حاکم که قدرت و حاکمیت را میان خود تقسیم کرده اند، همگی به ثروت های افسانه ای دست یافته اند. مردم حق طلب و محروم کردستان عراق مدتهاست این واقعیت ها را با خالی تر شدن سفرهایشان و ماهیت سرکوبگرانه حکومت اقلیم درک کرده اند و می بینند که زیر "سایه" حکومت "خودی" روز به روز بر بار مشکلات زندگی و معیشت شان افزوده می شود. جنبش مردم محروم کردستان در واقع همان جنبش نان و آزادی است که عراق و خاورمیانه را فرا گرفته است.

با این حال اعتراضات پراکنده نمی تواند تغییر آنچنانی در وضعیت موجود ایجاد کند. جوانان و مردم معترض، معلمان، کارگران و حقوق بگیران برای رسیدن به خواست و مطالباتشان

از یک هفته پیش موج تازه ای از اعتراضات کارگران و مردم زحمتکش و تنگدست کردستان عراق در اعتراض به فقر و بیکاری، دزدی و فساد گسترده، تعرض به آزادی، عدم پرداخت حقوق و دستمزدهایشان و کمبود خدمات عمومی به راه افتاده است. دامنه این اعتراضات به شهرهای سلیمانیه، کرکوک، چمچمال، رانیه، قلادزه، کلار، سیدصادق، کفری، تکیه، خورمال، گرمیان، پنجوین و ... کشیده شده است و معترضان خواستار برکناری حکومت و احزاب و جریانات فاسد در قدرت هستند.

مردم معترض در بعضی از این شهرها دفاتر "حزب دمکرات کردستان عراق"، "اتحادیه میهنی"، "گوران"، "یه کگرتووی اسلامی کردستان" و "کومه ل اسلامی" را به مثابه نماد قدرت و حکومت، به آتش کشیدند. این اعتراضات با خشونت و تیراندازی نیروهای امنیتی وابسته به حکومت اقلیم کردستان مواجه شده است که بر اثر آن متأسفانه حدود به ۱۰ نفر از مردم معترض جان خود را از دست داده و بیش از صد نفر زخمی شده اند. همچنین تعداد زیادی از جمله مسئولان تشکل معلمان دستگیر شده اند. حکومت اقلیم همچنین کانال تلویزیونی "ان. آر. تی" را مورد حمله قرار داده و از پخش برنامه های آن به مدت یک هفته جلوگیری به عمل آورده است. "مسرور بارزانی" رئیس دولت اقلیم کردستان اعتراضات مردم را

## حمایت از اعتراضات و مبارزات کارگران و ستم دیده گان در کردستان عراق



کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری  
Coordinating Committee to Help Form Workers' Organisation

سال هاست

که کارگران و

تهیدستان عراق در

شهرهای مختلف این کشور، از جمله بغداد و بصره و سلیمانیه . . برای رسیدن به خواسته های طبقاتی شان دست به مبارزه ای خستگی ناپذیر زده اند که در این مبارزات، انسان های زیادی جان شان را از دست داده و یا به شیوه هایی که مرسوم تمامی دیکتاتورها در سرتاسر دنیاست به عنوان مختلف مورد شکنجه و اذیت و آزار قرار گرفته، بازداشت، زندانی و ترور شده اند.

بار دیگر شاهد دور تازه ای از اعتراضات و شورش کارگران و ستم دیده گان، این بار در

محروم به خشونت کشیده شد.

تعداد زیادی از مردم در شهرهای سلیمانیه، رانیه و چمچمال. . . زخمی و دستگیر شدند و چندین نفر از آنان نیز جان شان را از دست داده اند. سرمایه داران حاکم قصد داشتند مردم به جان آمده و استثمار شده را مرعوب نموده و مانع از ادامه اعتراضات آنان شوند. اما معترضان و مردم خشمگین در قبال این خشونت ها، مراکز و دفاتر احزاب حاکم و رهبران دزد و غارتگر را به تصرف درآورده و به اعتراضات خود سیمایی دیگر بخشیدند.

این اعتراضات در واقع حق مسلم انسان های ستم دیده و استثمار شده،



خسرو بوکانی

## جنبش نان و «موچه»!

ده روز از شروع دور جدید جنبش مطالباتی مردم کردستان عراق می‌گذرد. این دور از مبارزات که از روز چهارشنبه دوازدهم آذرماه و از شهر سلیمانیه شروع و به سرعت به دیگر شهرها و شهرک‌های اقلیم کردستان سرایت کرد، با مطالبه نان و "موچه" خود را معرفی می‌کند. موچه در زبان کردی به معنی حقوق، دستمزد و یا مستمری می‌باشد.

نقطه آغاز این مبارزات فراخوان تعدادی از فعالین عرصه‌های مختلف جنبش مطالباتی و بویژه حقوق بگیران در سلیمانیه جهت برگزاری راهپیمایی و طرح



خواست‌ها و مطالباتشان بود که در قدم نخست با دخالت‌گری نیروهای امنیتی به خشونت کشیده شده و این نیروها با استفاده از ابزار سرکوب بویژه باطوم و گاز اشک‌آور تظاهرکنندگان را مورد یورش قرار دادند که منجر به زخمی شدن

تعدادی از تظاهرکنندگان و همچنین دستگیری تعداد دیگری از آنها شد. اما این پایان کار نبود و حرکت اعتراضی مردم سلیمانیه بلافاصله مورد حمایت مردم معترض در بسیاری از شهرها و شهرک‌های دو استان سلیمانیه و حلبچه از جمله شهرها و شهرک‌های قلادزی، رانیه، دوکان، پیره‌مه‌گرون، عربت، سید صادق، پنجوین، حلبچه قدیم، وارما، کلار، دربندیخان، کفری، شیلادزه، قصری واقع شد و امروز جمعه به سنگال رسید که البته اعتراضات مردم سنگال علیه حکومت مرکزی عراق بوده است.

شدت سرکوبگری نیروهای امنیتی حکومت اقلیم کردستان در روزهای اخیر در مقابله با مردم معترض در این مکان‌ها به حدی بوده است که بنا به اخبار منتشره تا امروز ۱۰ تن از مردم معترض بر اثر اصابت گلوله جانشان را از دست داده‌اند و بیش از یک‌صد تن مجروح و تعداد زیادی از سوی نیروهای امنیتی بازداشت شده‌اند. روش‌های سرکوبگرانه نیروهای امنیتی در مقابل تظاهرات مسالمت‌آمیز مردم معترض، گاه‌ها و در بعضی مناطق عکس‌العمل خشونت‌بار و مقابله به مثل مردم معترض را بدنبال داشته است، بطوری

در سرزمینی سرشار از ثروت و منابع غنی است. سرزمین‌هایی که توسط عوامل و باندهای مدافع سرمایه و با استفاده از توهمای مردم به تسخیر درآمده که بیش‌تر از دوره‌های پیشین و دیکتاتورهای قبلی به آنها ستم روا داشته می‌شود.

این واقعیتی است که کشتار و سرکوب کارگران عراق و اقلیم کردستان و مرگ و نابودی انسان‌های معترض به فقر و فلاکت، خشم و انزجار انسان‌ها را نسبت به دیکتاتورها و جنایت‌پیشگان برمی‌انگیزد.

در واقع سال‌هاست که شیوه کار حاکمان سرمایه‌دار و ستمگر منطقه سرکوب بی‌رحمانه کارگران و مردم محروم و تهیدست بوده است. شیوه‌ای که همواره نسبت به کارگران و ستم‌دیده‌گان ایران، سوریه، یمن، عربستان، مصر، ترکیه، افغانستان و... انجام شده است.

گویی که کارگران و زحمت‌کشان باید به جرم غنی بودن سرزمین‌هایشان و داشتن منابع، معادن و ثروت‌های فراوان تنبیه شوند و سرمایه‌داران با بهره‌گرفتن از همان ثروت‌ها در ناز و نعمت زندگی کنند.

این شرایط بار دیگر به ما یادآوری می‌کند تا زمانی که کارگران و زحمت‌کشان جهان و علی‌الخصوص منطقه با هم متحد نشوند، همچنان شکل غارت شده و جهنم را هر روز در زندگی و واقعیت‌های عینی و ملموس آن تجربه خواهند کرد.

وظیفه همه کارگران و ستم‌دیده‌گان است که از مبارزات همدیگر پشتیبانی نموده و از تجربیات هم‌دیگر نیز استفاده نمایند.

به همین دلیل ضمن پشتیبانی از مبارزات کارگران عراق و دور‌اخیر مبارزات ستم‌دیده‌گان در شهرهای مختلف کردستان، تنفر و انزجار عمیق خود را از سرکوب‌گران مردم اعلام کرده و خواهان یک زندگی شرافتمندانه انسانی برای آنان هستیم.

بی‌شک رهایی ما تنها به دست خود ما و اراده و توان طبقاتی ماست. به هر اندازه که متحد باشیم و شوراهای قدرتمند خود را ایجاد کنیم بیش‌تر به رهایی و آزادی می‌رسیم.

**زنده باد اتحاد کارگران و تهیدستان**

علیه سرکوب و ستم‌گری سرمایه‌داران در سرتاسر جهان و به‌طور مشخص در منطقه. برقرار باد اتحاد و همبستگی طبقاتی کارگران و زحمت‌شکان علیه استثمارگران و دیکتاتورهای اقلیم کردستان.

کمیته هماهنگی

برای کمک به ایجاد تشکل‌ها کارگری

۱۳۹۹،۹،۱۸

همزمان باعث ارتقاء دانش سیاسی و طبقاتی مردم گشته و توهمی که روزگاری نسبت به احزاب حاکم در بین توده های مردم وجود داشت به شدت فرو ریخته و توده های ستمدیده و محروم کردستان در شعارهایشان به اثبات رساندند که موافق این سیستم ستمکار و استثمارگر نیستند و خواهان برچیدن سیستم موجود با تمامی احزاب حاکم و جریانات ناسیونال اسلامی همپیمانان هستند.

مردم کردستان در مبارزات ده روز گذشته خود و با طرح شعارها و مطالباتشان نشان دادند

که مخالف سیستم سیاسی ناکارآمد و فاسد فدرالیستی موجود در اقلیم کردستان که نسخه تجویز شده احزاب و جریانات ناسیونالیست کردستان ایران نیز برای فردای جامعه ایران است، هستند و در عمل روزانه خود اثبات کردند که این سیستم که با اتکا به دمکراسی بورژوازی و



پارلمانتاریسم اداره می شود، نه تنها نمی تواند تامین کننده رفاه و برابری و آزادی های اجتماعی باشد، بلکه از تامین نیازهای اولیه مردم نیز عاجز و ناتوان است و تنها بدیل ممکن برای عبور از این اوضاع نابسامان رجوع به شوراهای واقعی مردمی و تامین ملزومات حاکمیت شورایی می باشد.

توجه به خواست ها و مطالبات و شعارهای جنبش جاری مردم ستمدیده کردستان نشان داد که جنبش آنان جنبش نان است، جنبش دریافت کامل و به موقع دستمزد است، جنبش کار و آزادی است، جنبش علیه ستم و تبعیض و نابرابری است، و همچنانکه خود اظهار می دارند جنبش علیه فساد و مافیای قدرت است. لذا از منظر افکار عمومی آگاه و پیشرو و تمامی آزادیخواهان و کمونیست ها قابل حمایت و پشتیبانی است و هرگونه سیاست سرکوبگرانه در مقابل چنین جنبش عادلانه و برحق شدیداً محکوم است.

شناسایی و مجازات آمران و عاملان تیراندازی مستقیم به سوی مردم معترض و به قتل رساندن آنان، آزادی فوری و بدون قید و شرط کلیه دستگیرشدگان و توقف هرگونه سرکوبگری از سوی حاکمیت در بخش اولویت های ویژه شرایط کنونی قراردارند.

دوختند و به بهانه پس انداز کردن حقوق های مزدبگیران، سیستم پرداخت "موجه" ها را طوری طرح ریزی کردند که نصف حقوق ها و بعدها حتی یک چهارم حقوق ها را آنهم با تاخیر پرداخت می کردند. دزدی های کلان و آشکار و ابستگان حاکمیت و فساد مالی عمیق سیستم حکومتی روز بروز بر دامنه فقر و بیکاری مزمن در منطقه افزوده به نحوی که صدای اعتراض تعداد زیادی از اصحاب رسانه و حتی دست اندرکاران حکومتی و پارلماناران را هم درآورده است. نمونه بارز دزدی و سواستفاده آشکار از امکانات مرزی توسط نهادهای وابسته

به احزاب حاکم در مرزهای پرویزخان، باشماق و ابراهیم خلیل تنها بخش کوچکی از دزدی و اختلاسی است که ورد زبان مدیای رسمی و مردم اقلیم کردستان است.

سیاست های استثمارگرانه و تبعیض آمیز احزاب حاکم در اقلیم کردستان طی سالیان اخیر در عرصه های اقتصادی - سیاسی - اجتماعی و... که مبتنی برحفاظت و صیانت از مناسبات سرمایه داری و مالکیت خصوصی و پیروی از الگوهای نئولیبرالیستی بوده و با اتکا به سیستم حکومتی فدرالیسم و پارلمانتاریسم اجرا شده، عواقب وحشتناکی از فقر و سیاه روزی بیشتر برای توده های کارگر و ستمکش و عموم مردم کردستان ببار آورده است و رشد کوچ مردم و جوانان به کشورهای پناهنده پذیر، گسترش وسیع آسیب های اجتماعی، بیکاری مزمن، عدم توانایی مردم بویژه کارگران و مزدبگیران در تامین نیازمندی های اولیه شان، شکاف عمیق طبقاتی و... به بی اعتمادی مردم نه تنها به کل احزاب شریک درحاکمیت بلکه به احزاب اسلامی همپیمان حاکمیت نیز منجر شده و باعث برآمدهای اجتماعی در مقاطع مختلف شده است.

هرچند خیزش های اعتراضی برحق مردم کردستان بویژه کارگران و معلمان در مقاطع مختلف و از سوی نیروهای امنیتی به شدت سرکوب شده و به خاموشی گرائیده، ولی

بکارگرفته نشدن، ولی پخش قسمتی از این درآمدها به عناوین مختلف در میان مردم، موجب پیدایش نوعی از رفاه و خوش گذرانی عمومی و قشر وسیع متوسط در جامعه شد. موارد فراوانی مشاهده می شد که خانواده ای و یا شخصی ماهانه ۳ یا ۴ حقوق با عناوین مختلف دریافت می کرد که بعدها به یکی از مشکلات مورد مناقشه بین حکومت مرکزی عراق و حکومت اقلیم کردستان بدل شد. به علت سیاست احزاب حاکم در این منطقه هیچگونه اهمیتی به جایگاه واقعی نیروی کار و ایجاد مراکز کار و تولید داده نشد و این جامعه به مانند بسیاری از کشورهای نفت خیز حاشیه خلیج فارس و البته در زمینه درآمد و خدمات عمومی در سطح پائین تری، به یک جامعه کاملاً مصرفی تبدیل شد، به شکلی که اکثریت قریب به اتفاق کالاهای اساسی و خدمات مورد نیاز اقلیم را از کشورهای ترکیه و ایران و کشورهای دیگر وارد می کرد. ناگفته پیداست که در چنین اوضاع ناسالمی زمینه رشد افراد و کمپانی هایی که یک شبه میلیاردر شدند خیلی مساعد بود و اکنون تعدادی از این افراد جزو سرمایه داران میلیاردر خاورمیانه به حساب می آیند.

فاصله طبقاتی به علت فساد اداری و سیستم عشیره ای حکومتی که عمدتاً بین دو خانواده تقسیم شده است، سر به فلک کشیده و پیدایش طیفی از سرمایه داران نرسیده که عمدتاً با اتکا به قدرت و امکانات دولتی به این موقعیت جدید دست یافته اند و عموماً از عوامل و نزدیکان احزاب و جریانات حاکم به شمار می روند، به بهای ریزش شدید اقشار خرده بورژوازی متوسط و پائین به موقعیت نازل تر اجتماعی و فقرشدیدتر و عمیق تر طبقه کارگر و زحمتکشان جامعه تامین شده است و این یکی از عوامل اصلی وضعیت کنونی جامعه کردستان عراق است که تأثیرات عمیق خود را بر کلیه سطوح کار و زندگی مردم این جامعه برجای گذاشته است.

بدنبال سقوط شدید بهای نفت که بحران ۲۰۱۴ را بوجود آورد و همچنین عمل به توصیه ها و نسخه های تجویز شده بانک جهانی و صندوق بین المللی پول از سوی دولت اقلیم، روز به روز بر وخامت اوضاع افزوده شد و ظهور داعش و بحران های بعدی از جمله ۱۶ اکتبر ۲۰۱۷ و جنگ کرکوک روابط دولت مرکزی عراق و حکومت اقلیم کردستان عراق را با تیرگی بیشتری مواجه کرد و از این تاریخ احزاب بورژوا ناسیونالیست حاکم در کردستان بیشتر از پیش به سفره های کوچک شده کارگران و مردم زحمتکش این منطقه چشم طمع

هلمت احمدیان



## "خانه تکانی" چپ؟!



ای غیر از یک آلترناتیو سوسیالیستی ندارد. در مقابل این واقعیت و عینیت، آنچه ایدئولوگ های جامعه سرمایه داری به عنوان کارآترین ابزار برای تغییر این صورت مسئله، بکار برده اند، تعدیل و از محتوی خالی کردن و لیبرالیزه کردن نگرش و گرایش سوسیالیستی بوده است. مهم ترین و اولین سنگر تعرض به باورهای سوسیالیستی، تعریف نقش و جایگاه طبقه کارگر در روندهای سیاسی جامعه است. اگر سرمایه داری به آشکارا به این طبقه با همه ابزارهای سرکوب و ایدئولوژیکش تاخته است، در کنار آن، ایدئولوگ های لیبرال به تخریب و تضعیف و کم اهمیت نشان دادن موقعیت و مبارزات این طبقه پرداخته و رسالت "تغییر" را به اقشار میانی و متوسط جامعه سپرده اند.

این تغییر مکان طبقاتی در میان لیبرال چپ ها، هنگامی می تواند مانند یک مشی جاافتاده در یک نیروی سیاسی چپ خود را نهادینه کند که کاستی های نیروهای چپ را عمومیت داده و آنها را تحت عناوینی مانند "ذهن گرا"، "چپ سنتی"، "چپ ایدئولوژیک"، "روشنفکر"، "چپ محجبه" و عناوینی از این دست مورد حمله قرار داد. وقتی از صحبت از کاستی های چپ می کنیم منظور نادیده گرفتن ضعف هایی که نیروهای چپ کمابیش از آن رنج می برند نیست و بدون شک نقد سازنده هر یک از این ضعف ها به شرطی که دست مایه تغییر ریلی سیاسی و طبقاتی نگردد، مفید و پیش برنده است و این امر می تواند نیروهای چپ را متحدتر و به هم نزدیک تر کند. اما هدف نگاه لیبرالی از این "نقدها"، نه برای و کارآیی بخشیدن بیشتر به قطب چپ جامعه، بلکه برای "خانه تکانی" چپ از ارزش های انقلابی و رادیکال و منزوی کردن آنهاست. این امر به هدف دوری جستن از نیروهای چپ و نزدیکی به متحدان سیاسی جدید است.

این رویکرد از آنجا که طبقه کارگر دیگر برایش محور نیست، هنگامی که استقرار گزینه ای سوسیالیستی را غیر عملی و زود رس می داند، هنگامی که به بهانه نقد سکت های کوچک و کم تاثیر، کل چپ را نشانه می رود و نزدیکی با این قطب دیگر برایش اولویت ندارد، وقتی به سادگی به همسنگران قدیمیش پشت می کند و با زبان "زیر" با آنها

"تغییر ریل" و تاثیرات متقابل این سه جنبش سیاسی و اجتماعی را روی همدیگر نشان داده است.

عامل اصلی این دگردیسی در میان این سه گرایش سیاسی و اجتماعی و نگاه و موقعیت آنها در روند اوضاع سیاسی از موقعیت و رسالت و نقش طبقات و اقشار جامعه، از نقشه راه و استراتژی های متفاوت آنها سرچشمه می گیرد و استواری یا بعکس، تغییر ریل این گرایشات در گرو افق هایی است که برای خود تعریف یا باز تعریف می کنند.

رسالت این نوشته کوتاه این نیست که به روندهای دگردیسی جریانات لیبرال و مذهبی بپردازد، بلکه تمرکزش روی چپ جامعه است.

### لیبرالیزه کردن چپ

در تاریخ معاصر وقتی به تغییراتی که در میان جریانات چپ که به سمت گرایشات بورژوایی گرایش پیدا کرده اند می نگریم، هیچکدام از این جریانات و روندها یک شبه به رد مارکسیسم، مانند علم رهایی بشریت نرسیده اند. بلکه این پروسه را تدریجا و با یک فرهنگ سازی نوین و با کدهایی شناخته شده به طرفدارانشان در جامعه حقه کرده اند.

### به بعضی از این فاکتورها و کدها اشاره می کنیم.

بر اساس علم مارکسیسم تغییر و تحولات بنیادی در جامعه رسالت طبقه کارگر است و گذر به سوی جامعه ای برابر و سوسیالیستی، بدون رهبری و نقش هژمونیک این طبقه عملی نمی گردد. این نه یک آرزو و آرمان خواهی صرف، بلکه قانونمندی است که علمیت خود را از روند تکامل سرمایه و متعاقبا بحران هایش و نقش و جایگاه طبقات و اقشار جامعه در این روند نشات می گیرد. این قانونمندی را بیش از یک سده بعد از مارکس، هیچ اندیشمند و ایدئولوگ بورژوایی نتوانسته از نظر علمی رد کند و چه بسا جامعه امروز سرمایه داری، بسیار همه جانبه تر از دوره مارکس به این واقعیت پی برده است که بردگی مدرن سرمایه، گزینه

گفته می شود، چپ ایران محتاج یک "خانه تکانی جدی" است. "خانه تکانی" در سیاست می تواند معانی و منظوره های مختلفی را مد نظر داشته باشد و این تعبیر به این امر برمی گردد که "خانه" چپ را از چه ارزش ها و مفاهیمی می خواهیم "بتکانیم". در این امر تردیدی نیست که مارکسیسم نه مذهب است و نه آرمان خواهی صرف، بلکه علمی است که مانند همه علوم دیگر باید بر اساس داده های واقعی درون جامعه خود را بروز کند. با این حال باید منظور واژه "خانه تکانی" در سیاست را بررسی کرد و این امر هنگامی در سطح یک بحث انتزاعی باقی نمی ماند، که بتواند ضرورت های "خانه تکانی" اش را با روند اوضاع سیاسی و اجتماعی و مبارزه طبقاتی درون جامعه توضیح دهد.

### چپ و جامعه

گرایش چپ و سوسیالیستی در سده اخیر همواره یکی از راهکارها و گزینه های دخیل در جنبش های اجتماعی در ایران بوده است. اگر گرایش مذهبی و لیبرالی مانند دو جنبش اجتماعی در این تاریخ بافت و خیزهای خود بعنوان راهکارهایی که هدف اصلی شان حفظ سیادت سرمایه داری در ایران بوده، نقش ایفا کرده اند، گرایش چپ هم با هر نقدی که از خط و خطوط فکری متفاوت در بین آن داشته باشیم، همواره گزینه ای برای تساوی طلبی و آرمان های سوسیالیستی بوده است.

این سه روند و جنبش، اگرچه در سطحی ماکرو شناخته شده و می شوند، اما در مقابل همدیگر مصون نبوده اند، و از همدیگر تاثیر گرفته اند. در تاریخ معاصر جنبش های سیاسی در ایران، ما می توانیم نمونه بیاوریم که مثلا در "سازمان مجاهدین خلق" در دوره رژیم پهلوی، گرایشی مارکسیستی قد علم می کند و یا در "سازمان چریک های فدایی خلق" خطی به نام "اکثریت" پلاتفرمی لیبرالیستی را راهنمای فعالیت خود قرار داد و یا گرایش "ملی مذهبی ها" که آمیخته ای از دو گرایش مذهبی و ملی گرایه و لیبرالیستی است، نمونه دیگر است، انشعاب سال ۲۰۰۰ در حزب کمونیست ایران و ... نمونه های دیگری از این نوع، دگردیسی و

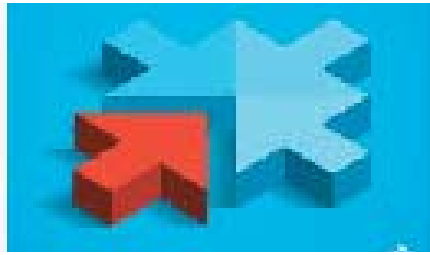
مارکسیست ها، رفرم در راستای آماده سازی برای انقلاب امری لازم و پذیرفته شده است، اما از آنجاکه گفتمان لیبرالی سنگینی کار و فعالیتش را به بهانه آماده نبودن شرایط روی رفرم می گذارد و رابطه ارگانیکی رفرم با انقلاب را مخدوش می سازد، عملاً به لیبرالیزه کردن نگاه سوسیالیستی خدمت کرده و گزینه و گفتمان سوسیالیستی را تضعیف می کند.

### طرد سکتاریسم و خودبزرگ بینی:

یکی از دردهایی که اجازه نداد، نیرو و پتانسیل نیروهای پراکنده چپ، هم در درون جامعه و هم در میان نیروهای سیاسی موثرتر بکار گرفته شود، سکتاریسم و خودبزرگ بینی خرده بورژوازی است. هنوز این توهم که می شود همواره به اعتبار یک دوره درخشان از فعالیت تا آخر عمر "نان آن را خورد"، هنوز دید خود محورینانه و "خود را مرکز عالم پنداشتن"، هنوز روش هایی که با کنکاش در کتاب ها، به جای واقعیات عینی مبارزه طبقاتی و خط کشیدن های انتزاعی، هنوز... عمل می کند و این نوع نگاه ها و رویکردها در میان بلوک چپ جامعه متاسفانه بازدارنده است. ما باید جسورانه تر در راستای منافع مبارزاتی درون جامعه و منافع و نیاز جنبش های اجتماعی بیشتر از گذشته "خانه" چپ را از این گرایش ها "بتکانیم".

\*\*\*

ختم کلام این است که نیروهای چپ و کمونیست و در یک کلام قطب چپ جامعه به اعتبار درس گیری از تجارب گذشته، به اعتبار اوضاع خطیر سیاسی که گفتمان و راهکار چپ و سوسیالیستی بیش از هر زمانی فرصت پیدا کرده، به اعتبار احساس مسئولیت در پاسخگویی به نیازهای مبارزه سیاسی و طبقاتی، به اعتبار لزوم ارجح دادن منافع جامعه بر منافع خود و گروه و سازمان خود، و ... باید تکانی جدی تر از همیشه به نگاه و عمل خود بدهد. **اهمال در این راستا خطایی نابخشودنی است.** این عزم، همتی جمعی و اعتماد به نفس بیشتر را نیازمند است. ■



نما و سیمای غیر قابل انکار دو خیزش اخیر "دی ماه تود و شش" و "آبان ماه نود و هشت" بوده است. بدون تردید، شعارها و مطالبات این خیزش ها را گفتمانی رادیکال و سوسیالیستی نمایندگی می کند و این امر قبل از هر چیز متکی به طیفی از رهبران عملی چپ در این جنبش هاست. نیروهای سیاسی چپ و کمونیست که بخاطر شرایط دیکتاتوری حاکم در ایران نتوانسته و نمی توانند بصورت علنی در این جنبش های اظهار وجود کنند، ولی قلبشان با جنبش کارگری و سایر جنبش های اجتماعی می تپد و هر یک به توان امکانات و ظرفیت خود در تلاشند که پژواک صدای کارگران و رنجبران این جامعه باشند.

نتیجه ای که می شود از این تصویر کلی از روند اوضاع سیاسی جامعه گرفت این است که در اوضاع کنونی جامعه نیروهای چپ و سوسیالیست بیش از گرایش سیاسی لیبرالی و مذهبی در اپوزیسیون شانس تاثیرگذاری و کوبیدن مهر خود بر روند اوضاع را دارند و این امر در گروه رفع ضعف ها و به عبارتی "خانه تکانی" رادیکال و مسئولانه است. این تلاش و مهم در شرایطی که در سال های اخیر تلاش برای همگرایی و همسویی در بین نیروهای چپ بیش از گذشته است، می تواند از رهگذر توجه بیش تر به پارامترهای زیر پیش رود.

### نقد و طرد گرایش های لیبرالی:

همانگونه که توضیح داده شد، ناامیدی و کم باوری به جنبش های اجتماعی و سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی می تواند و توانسته در بین بعضی از نیروهای سیاسی راه را برای راهکارهای "متعادل" تر و یا به قول آنها "واقع بینانه" تر، که همانا ارجح دادن اصلاحات و رفرم به انقلاب است باز کند. اگر چه از نگاه

گفتگو می کند و به نیروهای لیبرال و ناسیونالیست بیشتر روی خوش نشان می دهد و با زبان "نرم" با آنها "دیالوگ" می کند و .... بدون شک در فکر نوع دیگری از مبارزه است که در آن "همبستگی اجتماعی" و یا "انسانی"، جای همبستگی طبقاتی را می گیرد و این اولین پله لیبرالیزه کردن یک جریان چپ است، که در تاریخ چپ ایران همانگونه که به نمونه های اشاره شد بارها اتفاق افتاده است.

### "خانه تکانی" به روایت چپ

گفتیم که خانه تکانی همیشه بد نیست و باید منظور را جست و همانگونه که اشاره شد اگر "خانه تکانی" نیروهای چپ بر بستر نیازهای مبارزاتی و بهتر کردن موقعیت نیروها رادیکال جامعه استوار باشد، بسیار هم بجاست. "خانه تکانی" لیبرالی که هدفش تضعیف قطب چپ جامعه است، نه با روندهای سیاسی و مبارزاتی و طبقاتی در جامعه منطبق است و نه کارنامه ای خوبی دارد.

تا آنجاییکه به اوضاع سیاسی جامعه در ایران برمی گردد، راهکارهای اصلاح طلبانه لیبرالی علیرغم امکانات و فرصت های بسیاری که داشته نتوانسته است در مقابل ارتجاع سرمایه داری اسلامی ره به جایی ببرد. این گزینه فاقد یک برنامه اقتصادی متفاوت برای رفع مشکلات و معیشتی اکثریت جامعه است و از این روی بارها اپوزیسیون لیبرالی خارج از حاکمیت را ناامید و سرگردان و با بحرانی استراتژیک روبرو کرده است. اگر جنبش اصلاح طلبی بورژوازی در دوره هایی می توانست در میان بخشی از توده های مردم توهم آفرینی کند، این نقش بسیار تضعیف شده است و اگر امیدی برای این طیف باقی مانده باشد، تنها بهره گیری دوباره از آنها به عنوان "سوپاپ اطمینان" سرمایه داری در شرایط اعتدالی انقلابی اجتماعی است.

در مقابل، جنبش ها و خیزش های چند سال اخیر در ایران از راهکارهای لیبرالی عبور کرده و بیش از هر زمانی متکی به جنبش کارگری و توده های تهیدست جامعه است. این خصلت

### آدرس های

### حزب کمونیست ایران

### و کومه له

### نمایندگی کومه له در خارج کشور

K.K. P.O.Box75026

750 26 Uppsala - Sweden

Fax: 004686030981

representation@komalah.org

Tel: 0046 8 6030981

### کمیته خارج کشور

0046-707 254 016

kkh@cpiran.org

### دبیرخانه حزب کمونیست ایران

C.D.C.R.I. Box 2018

127 02 Skärholmen

SWEDEN

dabirxane.cpi@gmail.com

عباس منصوران

## دو «مطلق» طبقاتی!



کارگر ندارد.

رفرمیسم این بخش است که در طبقه کارگر رسوخ کرده و با «چانه زنی» در برابر وضع موجود خود را در چارچوب ساختارهای قفس مانند «سه جانبه گرایی» که بهتر است یک جانبه گرایی نامیده شود و نام کار و کارگر را در پسوند دارند، اسیر می شوند.

مروری بر رویکرد و کارکرد اتحادیه‌های صنفی به طور عمومی، به ویژه نمونه اتحادیه همبستگی به رهبری لخ والسا در لهستان دهه ۱۹۸۰ میلادی، مورد برجسته و همروزگار سیاست سرمایه‌داری است.

نمونه آسیایی آن، سندیکای واحد در بازگشایی دوران سید محمد خاتمی، و تقویت گرایش دولت گرایی به رهبری منصور اسالو، نمونهی برجسته‌ی دیگری از سیاست‌های غیرکارگری رفرمیسم است. سندیکا با رویکرد رفرمیستی در چارچوب تلاش‌های دولت‌گرایانه منصور اسالو و تحمیل سیاست‌های وی بر کارگران سندیکا، بیانگر رویکرد سیاسی بورژوازی اتحادیه‌گرایی سستی است. با تغییر رهبری پیش‌تاز و رادیکال این ارگان با تلاش‌های جمعی نمایندگان جدید مانند رضا شهبانی‌ها و رهبری جمعی و شوراگرایانه نمونه هفت تپه از سال ۱۳۹۶ به بعد به ویژه در اعتصاب باشکوه ۹۵ روزه‌ی سال ۱۳۹۹، به جای ماندگاری در تنگنای درخود بودن، طلوعی از بیداری طبقاتی دمیدن گرفت. طبقه کارگر در پراتیک خویش و نگرستن در امور اقتصادی و سیاسی در چارچوب تنگ سندیکایی به بیرون نگرست، فضای سیاسی جامعه، رقابت‌های اقتصادی سیاسی در حکومت، گروه بندی‌های سیاسی پیرامون و بیرون آن، و نیز اختلاف‌ها و رقابت‌های سیاسی و اقتصادی و رقابت‌ها و تناقض‌های جهانی سرمایه و تاثیرگذار بر اتحادیه‌ها و ارگان‌های سستی در سرح جهانی، نقش و سرانجام تمامی اتحادیه‌های صنفی خویش را به نمایش می‌گذارد. سندیکای شرکت اتوبوس‌رانی واحد در تهران و حومه، به رهبری اسالو، با پرچم رفرمیسم - ناسیونالیسم، بردن زیر چتر ارگان‌های سرمایه جهانی، در شمار سازمان جهانی کار و «سولیدارتی سنتر» و... بیش از پیش به خزیدن آشکار عناصری زیر پرچم آشکار سبزه‌ها و اصلاح طلبان درون حکومتی

و اپوزیسیون پیرامونی بورژوازی، سرانجام اتحادیه‌گرایی با سیاست بورژوازی را آشکار ساخت. (۱) تلاش‌های رسانه‌های فارسی زبان سرمایه جهانی و شناساندن برخی از اینان برای ایفای نقش چهره برون مرزی و وطنی «لخ والسا» در لهستان به پشتوانه واتیکان و سیا (CIA)، نمی‌توانست چهره دیگری جز همان عنصر بوروکرات گرویده به اردوی سرمایه را به نمایش بگذارد. هرچند در گفتگوهای رسانه‌ای، آنها را آلوده‌زدایی کنند و رهنمودش دهند، اما رفرمیسم اسارت‌آور این چند عنصر، عمیق‌تر از آن است که با این ترفندها پیرایش یابد.

طبقه کارگر، در ایران و در همه جهان چه می‌خواهد؟

پاسخ به این پرسش روی هم‌رفته و با «سرنده» و غربال‌گری تمامی دیدگاه‌ها در شرایط کنونی، به دو مفهوم **ضد انقلاب** یا **انقلاب**، فرجام می‌یابد.

دیدگاه‌های گوناگون در اردوی کار، در رویکرد به مبارزه طبقاتی، برای رسیدن به استراتژی‌ها و اهداف خود، در بستر یابی بر زنجیر اسارت یا کرانه‌ی رهایی و یا، ضدانقلاب یا انقلاب، لنگر می‌افکنند.

طبقه کارگر، سازمان‌یافته، زیر هر نام و نهاد طبقاتی، از سندیکا گرفته تا کنفرانس‌های کارگری، کمیته کارخانه و شوراهای مجمع عمومی یا مجمع نمایندگان و... باید به روشنی، رهایی خود را در لغو مالکیت بر ابزار تولید بر پرچم داشته باشد. هر نهاد کارگری، زیر هر نامی، بدون آگاهی طبقاتی، برای طبقه کار هیچ در بر ندارد. هنگامی که رهبری انقلابی و پیش انقلابی و آگاهی طبقاتی در میان نیست، رفرمیسم مجال رهبری می‌یابد. در چنین شرایطی است که رفرمیسم با برخورداری از پشتوانه‌های بورژوازی، در میان کارگران پایه توده‌ای بیابد.

بورژوازی، از راه رفرمیسم، با دو دریافت اقتصادی و سیاسی درون طبقه کارگر نفوذ می‌کند. در این نفوذ، اتحادیه‌ها ابزار اقتصادی و احزاب رفرمیستی، ابزار سیاسی بورژوازی هستند.

### استراتژی طبقه کارگر

سازمایابی و سازماندهی مبارزه طبقاتی استراتژی طبقه کارگری است که ←

در ایران، نیز همانند دیگر کشورهای سرمایه‌داری پیرامونی، در چارچوب مناسبات سرمایه‌داری، برای تمامی افراد جامعه، تنها دو گزینه‌ی سیاسی **سیاست سرمایه‌داری** یا **سیاست کارگری** در میان است. این دو رویکرد، **دو مطلق طبقاتی** است. ممکن است برای برخی این دیدگاه و چنین دریافتی، به ثنویت یا «دوآلیسم» نور و تاریکی و مطلق‌گرایی تعبیر شود. بین رنگ‌های نوری می‌توان گستره‌ای از رنگ‌ها را یافت، از ماوراء بنفش تا مادون قرمز، اما بین دو طبقه اجتماعی آشتی ناپذیر برده‌دار و برده، هیچ رنگ دیگری که هم این باشد و هم آن در جهان هستی، لاموجود بوده و پنداشت آن، ساده انگاری است. ناگفته نماند که میان این دو طبقه شبه طبقه ای دیگری است که به اشتباه «طبقه متوسط» یا «میانه» خوانده می‌شود. به بیانی دیگر، می‌شود آنرا ترکیبی از هر دو نامید، به این گونه که هم خود - استثمارگر خویش است و نیز بسته به سرمایه و مالکیت بر ابزار تولید، دیگران را استثمار می‌کند. این لایه‌های پر شمار اجتماعی، بسته به نزدیکی و دوری از طبقه کارگر و فرودستان، بین رادیکالیسم و محافظه کاری همواره در نوسان هستند و بسته به نزدیکی به طبقه فرادست و حکومت و بورژوازی حاکم، محافظه کار و ضد انقلاب‌اند. این بخش گسترده، برای طبقه کارگر و انقلاب، هیچ تکیه‌گاه قابل اعتمادی به شمار نمی‌آید، سست عنصر، پیمان شکن، دمدمی منش، سازشکار و به سوی ضدانقلاب گرایش دارد و با تمام وجود به مالکیت خصوصی بر ابزار تولید گره خورده است و در حیاتی‌ترین لحظه تعیین کننده سرنوشت مبارزه با ماهیتی ضد انقلابی پدیدار می‌شود. لازم است برای صدمین بار به تاریخچه و تجربه‌های حزب‌ها و انقلاب‌ها و جنبش‌ها در روسیه و ایتالیا و آلمان و فرانسه و چین و ایران و... بنگریم، ولی لازم نیست و بیهوده و نابخردی است اگر در پی تجربه و تکرار آنها باشیم.

خرده‌بورژوازی، دربرگیرنده‌ی لایه‌های فرودست و فرادست اجتماعی، بین بورژوازی و کارگران در نوسان، نه یک طبقه، بل که گستره‌ای از جامعه را تشکیل می‌دهد که مالکیت خصوصی و استثمار خود و دیگران را خواهان است و از همین روی هیچ سنخیتی با طبقه



➔ به خود رهایی می‌اندیشد و به خود آگاهی گرایش دارد.

**نقد بی‌اعتنائی به سیاست**، هشدار رهایی بخشی است که مارکس، در آن، ضرورت روی‌کرد طبقاتی پرولتاریا به سیاست را حیاتی‌ترین راه کار طبقه کارگر برای خود رهایی می‌شمارد.

«سوسیالیست‌های نخستین (کیمیگران کارگری-ژرژ فوریه، رابرت اوئن و سن سیمون و غیره) به این دلیل که شرایط اجتماعی هنوز به حد کافی تکامل نیافته بود، که به طبقه کارگر اجازه دهد خود را همچون طبقه‌ای، مبارزه را سازمان دهد، به جبر می‌بایست خود را به رؤیاهایی در باره الگوی جامعه‌ی آینده محدود کنند و هرگونه مبارزه‌ای مانند اعتصابات، سازمان‌های کارگری و جنبش‌های سیاسی کارگران برای بهبود سرنوشت خویش را محکوم سازند. اما اگر اجازه نداریم این پدرسالارن سوسیالیسم را رد کنیم، همانگونه که شیمیدان‌ها اجازه ندارند اسلاف خود یعنی کیمیگران را رد کنند، با این همه باید از اشتباهی که آنها در آن افتادند پرهیزیم، اشتباهی که اگر از سوی ما صورت گیرد، پوزش ناپذیر است.» (۲)

در فراز بالا، به بیان مارکس این بنیانگذار فلسفه رهایی طبقه کارگر، درحالی که در سال‌های ۱۸۵۰، «ابدی بودن اصول»، مردود شمرده می‌شود، اما گویا آن اصل نوزایی کارگران، اتحادیه و سندیکاها، این ساختارهای سنتی، پس از نزدیک به دو سده همچنان، ابدی و کیمیایی مانده‌اند! کیمیگران اما با حسن نیت، در آن عهد باستان، در تلاش این بودند تا مس را طلا سازند، رفرمیست‌های جنبش کارگری، در تلاش آند تا با شلاق استثمار، از گردهی کارگران، طلا استخراج شود.

### مبانی سازمان‌یابی طبقه کارگر

در ایران نیز به‌سان بخشی از قلمرو سرمایه‌ی جهانی، برای خود رهایی، هر نوع سازمان‌یابی طبقاتی کارگران باید بر محور وحدت سه نیروی سازمانی، ساختاری و دانش مبارزه طبقاتی، راستا گیرد؛ این سازمان‌یابی است که اگر خواهان پیروزی است باید، محورهای زیر را در منشور داشته باشد و به کارگران آموزش دهد. دریافت خود رهایی پرولتاریای ایران، در شرایط کنونی، همان مبانی و روی‌کرد طبقاتی طبقه کارگر بنا به اصول انترناسیونال اول و به‌روز گردانی و کاربردآزمون‌های انقلابی تا کنونی طبقه کارگر در این دو سده است.

رئوس مبانی و آموزش‌های تا کنونی مبارزه طبقاتی کارگران را می‌توان این گونه چکیده آورد:

۱ - جنبش کارگری به مبارزه سیاسی کشانیده

می‌شود.

۲ - هدف قدرت سیاسی است.

۳ - سازمان، یک دژ است.

۴ - محافظت از طبقه کارگر.

۵ - اراده و نمایندگی طبقه کارگر را به نمایش می‌گذارد.

۶ - هر ارگان و سازمان صنفی و سیاسی کارگری، یک وسیله است و نه هدف.

۷ - هر کدام از این ساختارها، از جمله ابزارهای آن که طبقه کارگر برای هدف عالی خود، یعنی لغو سیستم مزدوری به‌طور کلی، در دست دارد.

۸ - لغو کار مزدوری، بدون خلع ید بورژوازی از مالکیت بر ابزار تولید و قدرت سیاسی، توهمی بیش نیست.

در کشاکش و تنش دیدگاه‌های گوناگون کارگری و غیرکارگری، راه کار طبقه کارگر با سازمانیابی انترناسیونال اول در سال ۱۸۶۵، کشف شده بود و در برابر، سرمایه نیز راه کار خود را در پیش روی می‌نهاد. در کنگره دوم بین الملل اول، در سال ۱۸۶۷ به پیش‌تازی مارکس و انگلس، اصول سازمان‌یابی، قطعنامه شد:

• «رهایی اجتماعی کارگران بدون رهایی سیاسی آنها عملی نمی‌شود»

• «برقراری آزادی سیاسی به عنوان یک مرحله مقدماتی، مطلقاً ضروری است.» (۳)

• رهایی طبقه کارگر، نه به دست نخبه‌گان و یا احزاب، بلکه به دست خود طبقه سازمان یافته و خود آگاه، انجام می‌گیرد.

سال ۱۸۶۵ کارگران اروپا در انترناسیونال اول که یک نهاد کمونیستی حتماً سوسیالیستی نبود و از کمونیست‌ها تا پرودونیست‌ها و آنارشویست‌ها و اوئنیست‌ها و... را در بر می‌گرفت، به اتحاد برآمدند. به این گونه نخستین انترناسیونالیسم کارگری به یک پیمان جمعی، انقلابی و تاریخی دست یافت:

۱ - تضاد بین طبقه کارگر و طبقه سرمایه دار یک تضاد آشتی ناپذیر است.

۲ - مبارزه طبقاتی پرولتاریا، موزی با زندگی اش به پیش می‌رود.

۳ - درگیری و مبارزه، دیگر فردی و در یک رشته تولیدی ویژه نیست، بلکه، پیکار بین طبقات است.

۴ - سازمان‌یابی پرولتاریا به صورت یک طبقه، استراتژی طبقه کارگر برای هدف نهایی است.

۵ - این روی‌کرد، برای خودرهایی و رهایی جامعه از فلاکت و از خود بیگانگی ضرورتی حیاتی دارد.

۶ - هدف، برکنار ساختن بورژوازی در حاکمیت سیاسی و اقتصادی برای دست‌یابی به توانایی هدف بی‌درنگ سوسیالیستی است.

۷ - لغو مالکیت خصوصی بر ابزار تولید و جایگزینی مالکیت سوسیالیستی هدف طبقه کارگر خودآگاه و سازمان‌یافته و مسلح می‌باشد. هدف، دگرگونی اساسی در مناسبات طبقاتی است؛ هر ساختار صنفی و سیاسی پرولتاریا باید این هدف را به هر شیوه و راه کار، آموزش دهد.

«اتحادیه‌ها اگر همانند مرکز مقاومت در برابر تجاوزها و ستمگری‌های سرمایه کارکرد داشته باشند، نشانه‌ی سودمندی خواهند بود، در حالی که به سبب استفاده نادرستی که از نیروی خویش می‌نمایند، تقریباً بدون استفاده و بی‌اثر گردیده‌اند. اغلب اتحادیه‌ها هدف خود را از دست می‌دهند، زیرا که تنها کار خود را به جنگ‌های پارتیزانی [محلّی و پراکنده] در برابر پی‌آمدها و آثار رژیم کنونی کم دامنه می‌سازند. در صورتی که بایستی در همان حال، به هدف دگرگونی تمامی مناسبات کوشش کنند و نیروی سازمان یافته‌ی خویش را همانند اهرمی برای آزادی همیشگی و نهایی طبقه کارگر و نابودی همیشگی و سرانجامی «مناسبات مزدوری به کار برند.» (۴)

یکی از بزرگترین مانع در برابر فراوری طبقه کارگر جهانی از طبقه در خود، به طبقه برابر خود، تشکل‌های سنتی، و بازدارنده‌ای هستند که طبقه را به مهار گرفته، تا در چنبره‌ی مناسبات، همچنان به چانه زنی و گرفتن و دادن امتیازاتی چند، طبقه کارگر همچنان در کنترل و چرخ سرمایه همواره در گردش باشند.

سندیکاها در گذشته، سنگ‌های دفاعی کارگران به شما می‌آمدند:

۱ - برای جلوگیری از تعرض بیشتر سرمایه‌داران.

۲ - آموزش و پرورش اعضاء برای پیشروی. این تشکل‌ها، سال‌های سال در کشورهای زیر حاکمیت سوسیال دموکراسی در دموکرات‌ترین شرایط، در نقش بازوان حکومت و مناسبات سلطه‌گرانه بورژوازی، وظیفه‌ی تسمه نقله‌ی رابطه‌ی کار به سرمایه را به پیش برده‌اند. کارنامه‌ی اتحادیه‌های سراسری این کشورها مانند LO (اتحادیه سراسری) در اسکاندیناوی، و یا هم اکنون DGB در آلمان و CGT و جلیقه زردها و... در فرانسه با حاکمیت سوسیال دموکرات‌ها، با در برگرفتن میلیون‌ها کارگر عضو، در کارکرد، پشتوانه حاکمیت سیاسی طبقه حاکمه‌ی سرمایه‌داری به شمار می‌آیند.

به بیان درست لنین، هرچه نفوذ رفرمیستی در بین کارگران قوی تر و ژرف‌تر باشد، طبقه کارگر ناتوان‌تر، وابستگی اش به بورژوازی

بیشتر است. بی‌اثر کردن اصلاحات



نشریه جهان امروز از این شماره، با گشودن صفحه‌ی ویژه‌ای به بازتاب مبارزات کارگری و بررسی فرازهایی از این جنبش می‌پردازد. مروری بر مبارزات طبقاتی درخشان جنبش کارگری در هفت تپه، از جمله موضوعاتی است که به صورت پیاپی، اما به صورت نوشتارهای مجزا ارائه می‌شود. در این شماره بخش دوم را ملاحظه می‌کنید.

\*\*\*

## صفحه ویژه جنبش کارگری



و بازپس گیری امتیازها به دست آمده در درازای مبارزه‌ها و پیکارهای طبقاتی با نیرنگهای مختلف، برای بورژوازی آسان تر خواهد بود. هر اندازه که جنبش کارگری مستقل تر، اهدافش عمیق تر و گسترده تر و از کوتاه بینی رفرمیستی آزادتر باشد، ماندگاری و بهره‌برداری از بهبودها و دستاوردها برای کارگران آسان تر خواهد بود.

رفرمیسم، طبقه کارگر را به گرداب ترس، جبن و کرنش و تن سپاری به ستم فیزیکی و جانی و استثمار مناسبات سرمایه داری خو می‌دهد.

طبقه کارگر باید به سیاست روی آورد و در حصار صنفی و اقتصادی ماندگار نماند. تمامی رسوبات صنفی و سندیکایی و پراکنده بودگی و و صنفیت را بزاید و به صورت طبقه ساختار یابد.

سازمان سیاسی یا حزب پرولتاریا، حزب کمونیست است. این حزب به بیان گرامشی «سازمان یافته از آن بخش پرولتری است که، ستم فیزیکی و روانی سیستم سرمایه داری او را به گرداب جبن و کرنش و خودخوار پنداری و سقوط نمی‌دهد و موفق به نجات استقلال و روحیه ابتکار عمل آگاهانه و دیسپلین خویش می‌گردد. از این روی، حزب باید آگاهی انقلابی کلیه طبقه استثمار شونده‌گان را به خود جلب کرده، رهنمودهای خود را را به رهنمود برای تمام توده‌ها و خویشتن را به رهبر مغز اندیشه‌مند آنان بدل گرداند» (۵)

### زیر نویس ها و منابع:

۱ - روز دهم اسفند ۱۳۹۱ امیر حسین جهانشاهی، اشراف بورژوا و بنیانگذار و مالک و رهبر «سازمان موج سبز»، در آمریکا آشکار ساخت که منصور اسالو با ایشان و سازمان وی همراه شده است و مسئولیت سازمانی به وی واگذار شده است. در پی این اعلام بود که اسالو «دبیر ستاد هماهنگی فعالان کارگری در موج سبز» نامیده شد و وی در رسانه‌های جهانی سرمایه بارها پدیدار شد، بدون اینکه این مأموریت جدید را انکار کند. مدتها گذشت که اسالو با مشاورت رفرمیست‌ها رهنمود یافت تا این پیوستگی را موقتاً انکار کند و با چراغ خاموش براند. [www.greenwavenews.com](http://www.greenwavenews.com) و [organization.greenwavenews.com](http://organization.greenwavenews.com) انتشار یافته است.

۲ - کارل مارکس، بی‌اعتنائی به سیاست، ترجمه‌ی سهراب شباهنگ.

<http://www.marxists.org/farsi/archive/marx/works/1873/bietenayi-siasat.pdf>

۳ - ویلیام فاستر، تاریخ سه انترناسیونال، ج ۱، ص ۵۷-۵۶ انتشارات سوسیالیسم و آزادی، اکتبر ۱۹۸۲.

۴ - کارل مارکس، دو رساله اقتصادی - کار مزدی، سرمایه، قیمت و سود، ترجمه میرجواد سید حسینی، نفیسه نمودیان پور، نشر لحظه، تهران، ۱۳۸۴.

۵ - به نقل از برگزیده‌ای از آثار آنتونیو گرامشی، به زبان فارسی، انتشارات بابک-ایتالیا، چاپ اول، تیر

## اعتصاب و همبستگی با خیزش سراسری دی‌ماه ۹۶

و چرای کارگران» دانست و افزود: «هیچ کارگری به دلیل حق خواهی، اعتراض و اعتصاب و تجمع نباید مورد بی‌حرمتی، دستگیر، بازداشت و مورد تهاجم نیروهای نظامی قرار گیرد». گزارش شد که، اعتصاب کارگران، به رغم بازداشت‌ها ادامه داشته است.

پشتیبانی‌ها و همبستگی کارگران، ضامن پیروزی طبقه کارگر در مبارزه علیه استثمارگران است. کارگران در سراسر ایران از کارگران پیشتانز نیشکر هفت تپه پشتیبانی می‌کنند: «از مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه پشتیبانی کنیم» عنوان این فراخوان بود: «از چند روز پیش کارگران مجتمع نیشکر هفت تپه بار دیگر دست به اعتصاب زدند و دور جدیدی از مبارزه را علیه مدیران، مسئولان و کارفرما آغاز کردند.

اتحاد و عزمِ راسخ کارگران نیشکر هفت تپه برای دست یابی به خواست-هایشان، آنها را آبدیده کرده است. مبارزات مستمر این کارگران برای مطالباتشان چند دستاورد داشته است:

- ۱- طبقه کارگر باید برای به کف آوردن مطالباتش همواره متحد باشد و مبارزه کند.
- ۲- طبقه کارگر برای پیروزی در مبارزه نیازمند تشکل طبقاتی خود است.
- ۳- طبقه کارگر باید هم مبارزه اقتصادی کند و هم مبارزه سیاسی.
- ۴- طبقه کارگر باید در مبارزات خود فقط به نیروی طبقاتی خود اتکا داشته باشد و هرگز نباید به طبقه سرمایه دار، کارفرما، مدیریت، مسئولان و دولت سرمایه داری اعتماد کند.

گرچه در جمهوری اسلامی «اعتصاب محاربه با خدا» شناخته می‌شود، ولی کارگرانی که در همین جمهوری اسلامی با نقض حقوق ابتدائی خود از سوی کارفرما و دولت سرمایه داری حاکم روبرو می‌شوند و با گوشت و پوست خود این بی‌حقوقی را لمس و درک کرده اند، اعتصاب

کارگران شرکت نیشکر هفت‌تپه از ساعت ۹ صبح روز یکشنبه ۱۷ دی‌ماه ۹۶، در «همه قسمت‌های کارخانه» دست به اعتصاب زدند. در پی این اعتصاب، شماری از کارگران مانع حمل نیشکر به داخل شرکت هفت‌تپه شدند. «بیانیه کارگران هفت تپه به خیزشگران: فریاد بز نیم «نان، کار، آزادی!» ... مردم ایران هوشیار باشید و فریب بازی کثیف صدا و سیمای ملی و نیروهای امنیت را نخوریم و صبورانه و بدون خشونت فریاد بر آوریم که دیگر خسته‌ایم از این همه بی‌عدالتی و تبعیض...

لذا ما جامعه‌ی کارگران شرکت نیشکر هفت تپه با توجه به حق اعتراض و اعتصاب ... از تمام اصناف و سندیکاها و جوامع کارگری کشور دعوت بعمل می‌آوریم تا در روز یکشنبه ۱۷ دی ماه ۹۶ از ساعت ۱۶ به خیابان‌ها آمده و در تظاهرات و راهپیمایی اعتراضی شرکت نموده و بدون خشونت، اعتراض خود را به بی‌عدالتی و حق خوری‌های گسترده در کشور ایران، فریاد بز نیم: نان، کار، آزادی.»

پیش از این نیز اسماعیل بخشی هنگام بازگشت به خانه در دزفول با دشنه، مورد حمله نقابداران قرار گرفته بود. دستکم برای بیش از ۷۰ کارگر شرکت نیشکر هفت‌تپه پرونده قضایی تشکیل شده بود که همگی پس از اعتصاب بزرگ کارگران نیشکر هفت‌تپه در شهریور ماه ۹۶ بازداشت و یا احضار شده بودند. کارگران در برابر یگان ویژه سرکوب، روز شنبه شب ۱۴ بهمن، در محوطه شرکت «در حالی که «جو به شدت امنیتی در کارخانه برقرار و کارخانه تبدیل به پادگان شده» بود ایستادگی کردند. کارگران درخواست برای آزادی فوری کارگران بازداشت شده، خواستار پایان فضای امنیتی شرکت نیشکر هفت‌تپه و خروج سریع یگان ویژه از این شرکت شدند. سندیکای کارگران شرکت نیشکر هفت‌تپه، اعتصاب، تجمع و اعتراض را «حق اولیه و بی‌چون



این افراد قائم مقام مدیر عامل را زند، این چه شورای کارگری است؟ مشخص است که این شورا هدف خاصی دارد. اگر کسی دلش برای تولید بسوزد که نمی‌رود جلوی تولید را بگیرد، کدام شورای کارگری می‌رود جلوی تولید را می‌بندد و ۴۵ روز اعتصاب می‌کند؟ اگر تولید نباشد ما از کجا باید درآمد داشته باشیم...»

احسان‌الله اسد بیگی در پاسخ به پرسش کنایون آزاد و زهرا منصوری، خبرنگاران انصاف نیز در باره‌ی خودکشی کارگران، پاسخ می‌گوید: «اصلاً خودکشی و خودسوزی وجود ندارد، اگر خودسوزی باشد دوربین‌های ما آن را ضبط می‌کنند و یکی از دستگاه‌های قضایی باید شکایتی نوشته باشد و حتی اگر ضبط هم نشده باشد مگر می‌شود در منطقه‌ای که قبیله‌ای است کسی خودسوزی یا خودکشی کند و اقوام او بگذارند ما وارد منطقه شویم. دو تا از محافظان ما را با هجده گلوله کشتند. ما همین حالا با ۴۲۰ محافظ باز هم می‌ترسیم در منطقه برویم. این مساله به وسیله دستگاه قضایی خوزستان قابل پیگیری است.»

خبرنگار می‌پرسد: خودکشی میلاد آل کثیر، نوجوان خوزستانی که پدرش از کارگران هفت تپه بود و به دلیل وضع بد اقتصادی رخ داد چطور؟

و از سوی سرمایه دار قاتل، پاسخ می‌یابد: «خاندان آل کثیر در آن منطقه زیاد هستند و خودکشی به این دلیل وجود نداشته است.»

احسان‌الله اسد بیگی در پاسخ به پرسش خبر نگاران در باره خودسوزی کارگران، می‌گوید: «آقای اسماعیل بخشی در مقابل دوربین می‌گوید چند تن کارگر برای یک میلیون و دو یست تومان خودسوزی کردند، من بارها گفته‌ام، یک فیلم از خودسوزی این کارگرها به ما نشان دهید. یکبار سه نفر با بنزین آمدند و گفتند ما را استخدام کنید؛ وگرنه خود را آتش می‌زنیم، به آنها گفتیم ظرفیت استخدام نداریم.» (۱)

### ماشین سرکوب

این حکم خود سوزی کارگر جویای کار میلاد آل کثیر بود که خود را آتش زد. کارگزاران، در نقش ابزار سلطه‌ی مناسبات فلاکت‌بار و نیز در نقش طبقه در حکومت و دولت، بی‌درنگ مسلحانه و با ابزار شکنجه و زندان و سرکوب، در برابر کارگران ایستادند. از سوی مدیریت سرمایه‌داران، با اخراج، دستگیری، شکنجه، برگزاری نمایشنامه‌ای سوخته و اعتراف‌گیری زیر شکنجه و قرص‌های روانگردان و...، به میدان فرستادن عوامل «دوگانه سوز» خود به بسیج پرداخت و آنها را به میان کارگران فرستاد. چماقداران

مشی سیاسی انقلابی پرولتری می‌تواند تغییر بنیادی جامعه سرمایه داری را تحقق بخشد. مبارزات اقتصادی، سیاسی، نظری و فرهنگی طبقه کارگر هنگامی می‌تواند به ثمر رسد و نتایج پایدار داشته باشد که در راستای تأمین منافع و اعمال قدرت متحد و شورایی کارگران باشد. طبقه کارگر نیازمند اعتماد به خود و تکیه بر نیروی خود و متحدان خود است.»

کارگران پروژه‌های پارس جنوبی کارگران پتروشیمی‌های منطقه ماهشهر و بندر امام

سندیکای نقاشان استان البرز

فعالان کارگری جنوب

فعالان کارگری شوش و اندیمشک

جمعی از کارگران محور تهران - کرج

دی ماه ۱۳۹۶

### رجزخوانی اسدبیگی‌ها

#### با دستگیری فعالین کارگری

حاج احسان‌الله اسد بیگی، پدر اسدبیگی‌ها، در تاریخ ۲۲ آبان‌ماه ۱۳۹۸ گفت‌وگویی با خبرنگاران در دفتر خود در خیابان پاسداران تهران به همراه، امیرحسین اسدبیگی، سیامک نصیر افشار، (مشاور مافیای اسد بیگی‌ها) انجام داد که نشانگر ماهیت این باند فاسد بود. این زالو، در شرایطی که اسماعیل بخشی و محمد خنیفر و سپیده قلیان و دیگر اسیران، زیر شکنجه در خون خود می‌غلطیدند، کارگران زیر شکنجه را اینگونه خواند: «خودشان باعث می‌شوند. یک سری عناصری در داخل کارگران به دنبال این هستند که کشور را بهم بریزند و کارگران را تحریک می‌کنند و از گروه‌های مختلف هستند، مثلاً از داعشی‌ها؛ گروه‌های کشورهای مخالف ایران که می‌دانند پاشنه آشیل جنوب ایران هفت تپه است، با بهم ریختن آن به دنبال بهم ریختگی کشور هستند. در تاریخ هم آمده است، یک سری افرادی بودند که از خیلی زمان پیش به دنبال این بودند که به وسیله‌ی انگلیسی‌ها جنوب ایران را از آن جدا کنند و در حال حاضر هم این عناصر که نسل به نسل ماجرا را منتقل کرده‌اند، در این فکر هستند که دولت زمین‌های این افراد را گرفته است؛ درحالی که این زمین‌ها به دولت فروخته شده است و این افراد به دنبال این مساله هستند که با شلوغی در جنوب ایران، آن را جدا کنند و زمین‌های خود را پس بگیرند...» این سرمایه‌دار انگل تلاش کند تا کارگران را نسل اندر نسل عامل انگلیسی‌ها و تجزیه طلب بنامد و داعشی که «نسل اندر نسل ماجرا را منتقل کرده‌اند.» او در مورد شورای کارگری چنین ادامه داد: «دو-سه نفر از عناصر خائن و نادان که حتی پرونده هم دارند، این شورا را به دست گرفتند.

را مدرسه ای برای آموزش مبارزه طبقاتی تلقی می‌کنند و می‌گویند: در اتحاد و تشکل و اعتصاب است که کارگر قدرت طبقه خود را به نمایش می‌گذارد. کارگران نیشکر هفت تپه در مبارزات مستمر خود به این درک رسیده‌اند که باید همچنان که برای تأمین مزدهای عقب افتاده، طرح طبقه بندی مشاغل، رسمیت بخشیدن به قراردادهای کار خود و همچنین مبارزه برای حق تشکل و حفظ سندیکای طبقاتی خود، باید مبارزه را تا عزل مدیریت و پس گرفتن کارخانه از بخش خصوصی ادامه دهند. اسماعیل بخشی یکی از نمایندگان کارگران در میان همکاران اعتصابی خود هشدار داد که در صورت عدم پاسخگویی مسئولان، کارگران قادرند مدیریت مستقیم خود را بر کارخانه و مجتمع طرح نیشکر اعمال کنند و اگر دوباره با بی‌اعتنایی روبرو شوند، کارگران تردیدی ندارند که باید مدیریت را به زیر بکشند و با همت و قدرت خود، مدیریت تولید را به دست گیرند. اسماعیل بخشی می‌گوید چرخ تولید کارخانه نیشکر هفت تپه با شیره جان پدران ما طی چند نسل به گردش در آمده و هویت کنونی خود را یافته است. او می‌گوید خود کارگران توانایی اداره این کارخانه را از مدیران و مسئولان سرمایه دار دارند! این کارگران مبارز در اعتصاب خود نمایندگان سیاسی دولت را به چالش کشیدند. آنها فرماندار، وزارت کار و قانون کار را حامی کار فرما و مدیریت معرفی کردند و گفتند هیچ توهمی نسبت به آنها ندارند. این نماینده کارگران در سخنرانی خود تأکید کرد که قانون کار فعلی هرگز به نفع کارگران نوشته نشده است و باید قانون جدیدی توسط نمایندگان واقعی کارگران نوشته شود.

هجوم و حمله اوباشان و جیره خوران نقاب دار نظام حاکم به اسماعیل بخشی ناشی از کینه کارفرما به کارگرانی است که در مبارزه خود، مسئولان سیاسی رژیم و قانون سیاسی حاکمیت را به چالش گرفته‌اند. همه کارگران در تمام مراکز کارگری باید از این تجارب ارزنده کارگران مجتمع نیشکر هفت تپه بیاموزند و در مبارزه خود بکار ببندند. یگانه راه پیشرفت سیاسی و اجتماعی طبقه کارگر و یگانه راهی که می‌تواند به رهایی سیاسی و اقتصادی این طبقه منجر شود، ایجاد تشکل مستقل طبقه کارگر در رشته‌ها و صنایع مختلف و اتحاد این تشکل‌ها در اتحادیه‌های سراسری و کنفدراسیون‌ها و سیاست مستقل طبقاتی خود و برخورداری از ستاد رهبری کننده و حزب سیاسی قدرتمند طبقه کارگر است. تنها مبارزه طبقاتی با خط و

کارگری، به ایمنی محل کار، به بازنشستگی‌ها و به تمامی خواست‌های کارگران متعهد بماند. این خواست‌های ابتدایی و رفهرمستی و در چارچوب سرمایه‌داری، در مناسبات باندها و منافع شبکه مافیایی حاکمیت اسلامی سرمایه جایی نداشتند و طبقه کارگر در سراسر ایران به جنبش مطالباتی این چنینی می‌پیوستند و با آزمون و تجربه، در مبارزه طبقاتی به یک کارزار طبقاتی کوبنده تری پیش‌روی می‌کردند. کارگران، در تابستان ۹۹ پیش از خیزش با شکوه اخیر، خواست واگذاری مجتمع نیشکر به تعاونی کارگری را پیش‌روی نهادند. این خواست برخلاف فریب تعاونی‌های آریامهری «سهیم شدن کارگران» در سود و... در مجتمع نیشکر، در کنار بخش خصوصی یا دولتی، خواستی در ماهیت متفاوت بود. عوامل سرمایه و کارگزاران طبقه حاکم، در برابر خواست تعاونی کارگران و خودمدیریتی به ضدتاکتیک روی آوردند. اتاق فکر سرمایه‌داران، موضوع «اهلیت» را مطرح کردند که «خصوصی سازی کارشناسانه نبوده» و «کارگران نیز در مدیریت تخصصی ندارند و کار را باید به کاردان و اهل مدیریت سپرد». «اهلیت» کلید واژه‌ی نا اهل خواندن کارگران بود.

تعاونی خودگردان پیشنهادی کارگران، مالکیت تمامی مجتمع و خرید قسطی آن به صورت قسط‌های یکصد هزار تومان در ماه بود، بدون آنکه کسی جز خود کارگران، مالکیت جمعی این مجتمع را داشته باشد. این مالکیت، مالکیت سوسیالیستی نیست، بلکه راهی برای کنترل تولید و توزیع بوده و کارگران بر تمامی امور شرکت که در مالکیت خود آنان است، نظارت و مدیریت دارند. نمونه نزدیک به چنین مشارکتی، به وسیله پروودون فرانسوی در انترناسیونال اول کارگری سالهای ۱۸۵۶ نیز مطرح شد و از پشتیبانی میلیون‌ها کارگر برخوردار بود. این طرح در برابر خصوصی سازی، خصولتی سازی و دولتی سازی، گزینه‌ای پیشرو و بهتری بود. دولتی‌ها و کارفرما و عوامل و کارگزاران آنها از استاندار خوزستان (شریعتمداری) گرفته تا امام جمعه اهواز (سید عبدالنبی موسوی فرد) و طلبه- آخوندهای بسیجی و نمایندگان مجلس و مقامات قوه قضاییه و... سراسیمه و با غوغا در برابر طرح تعاونی قرار گرفتند. هریک از این عوامل تلاش کردند تا به هر وسیله و دسیسه با حمله و اشک تماش، طرح کارگران را خنثی کنند. یکی از ترکیب شرکات کارگران با «شرکت سرمایه گذاری تأمین اجتماعی» (شستا) داستان سرایی کرد، یکی از واگذاری به شستا، دیگری به سپردن به دست «اهلیت» گفت و دیگری واگذاری به سپاه و

بود. سال ۹۶ نقطه عطفی در جنبش کارگری ایران و به ویژه هفت تپه بود. اسماعیل بخشی کارگر پیشتاز و جوان، دستاورد این دوره و این برهه از جنبش کارگری بود. سندکای هفته تپه در این برهه دیگر در میان نبود. کارگران، خود در جستجوی شیوه‌ها و ساختارهای نوینی بودند که نیازهای مبارزاتی این برهه را برآورده سازد و پاسخگو باشد. درخیزش تهی دستان،



در دیماه سال ۱۳۹۶، جنبش اعتراضی با مهر و نشان طبقاتی به میدان آمد. شعار «اصلاح طلب، اصول گرا، دیگه تمومه ماجرا!» پرونده فریب دوم خردادی‌های خاتمیسم و همراهان را فرو افکند و از تریبون طبقه کارگر، چشم بند اصلاح طلبی را بر درید. این یک دستاورد بود، کل حکومت، آماج و سیل خشم کارگران بود. جابجایی آیت‌الله صادق لاریجانی که با ۶۳ حساب شخصی‌اش به «مجمع تشخیص مصلحت نظام» و نشانیدن آیت الله ابراهیم رئیسی که از بیست سالگی در سال ۱۳۵۸ دادستان کرج و از دست‌اندرکاران ردیف اول دادگاه‌های دهه ۶۰ و تابستان ۶۷ تا ۹۸ راس قوه قضاییه در ایران، گزینه‌ای برای مهار اعتراض‌ها و اعتصاب‌های کارگری بود.

### گزینه‌ی «تعاونی خودگردان» و لغو خصوصی سازی

کارگران با خواست لغو مالکیت خصوصی در هفت تپه و اراک و اهواز، یکصدا شدند. کارگران گروه تولیدی و صنعتی هفت تپه، در این برهه، به این آگاهی دست یافته بودند که با این شعار، دولت در بن بست قرار می‌گیرد. با این خواست، دولت سرمایه‌داران ناچار می‌شد، ماهیت و نقش خود را به عنوان ابزار فرمانروایی طبقه سرمایه‌دار و هم به عنوان طبقه در حاکمیت و تبهکارانی مانند اسدیگی‌ها و دیگر لمپن-دلالان نشان دهد و در سوی دیگر، با اجبار با پذیرش دولتی کردن، ماهیت استثمارگرانه مناسبات را بدون پنهانکاری به نمایش بگذارد و به اجبار تمامی موازین هر چند سه جانبه‌گرایی قانون کار و سازمان جهانی کار به نام کارفرما را بپذیرد، به قراردادهای سفید امضا و موقتی و به اجاره دهی‌ها و پیمان‌کاری‌ها، به ندادن دستمزدها و حقوق کارگران و... پایان دهد و به رعایت بیمه‌های

با تحریکات چپ‌های شناخته شده‌ی فضای اینترنتی که گاهی به آشکارا با پول هنگفتی که به حساب‌اشان ریخته شد، وظیفه داشتند تا به میان کارگران رفته و در صف اول شعار دهند، به عنوان پروواکاتور، تحریک بیافرینند. یکی از این عناصر خودفروخته، رضا رخشان بود. او روزی به پان ایرانیست‌های شوونیست پیوست و جوایای نام بود. با برپایی سندکای هفته تپه به همراه همتای دیگری، فریدون نیکوفرد در میان و ۵ نماینده سندیکایی درآمد. وی تا مدتی با سندیکا همراه شد، اما با نخستین دستگیری وی و همتایش، فریدون نیکوفرد به شورای اسلامی کار پیوست و در برابر کارگران ایستاد.

وی در این اعتصاب بزرگ تابستان ۹۹، فراموش کرده بود که روزی ماموریت داشت تا به عنوان کارگزار امنیتی برای پیشبرد پروژه سندیکای حکومتی به همراه همقطار خود، فریدون نیکوفرد و چند عنصر دیگر در تهران، سندیکای مستقل کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه را منحل کنند. از سوی دیگر رسانه‌های سرمایه‌داران جهانی به ویژه بی. بی. سی فارسی، وظیفه داشتند که نماینده «سولیداریتی سنتر» (۲) بخش فارسی، که تبلیغ و کارگزاری سیاست‌های «دمکراسی» امپریالیستی آمریکا-کانادا و نفوذ در جنبش کارگری در ایران را به عهده دارد به میدان آورند تا خواست کارگران در محدوده‌ی رفوگری و انحرافی مهار شود.

در اعتصاب بزرگ ۹۹، برای به بیراهه بردن مبارزات و خواست‌های کارگران، از سوی حکومت، طلاب بسیجی به نام «دانشجویان عدالتخواه» به هفت تپه فراخوانده شدند. اینان با عکس‌هایی از رهبران حکومت اسلامی و آیه‌ها و شعارهای اسلامی، همانگونه که در اهواز و در پیشاپیش کارگران پولاد در سال ۹۸-۹۷ ماموریت یافته بودند، تلاشی مذبحانه و رسوایی را به نمایش گذاردند. آنان به همراه مهره‌های شناخته شده اسدیگی‌ها، وظیفه داشتند تا کارگران پیشتاز و اخراج شده را به کارخانه راه ندهند و نیز با نشان دادن بی‌راهه‌های شوراهای اسلامی سرمایه، کارگران را به سلاح خانه‌های خود بکشانند.

### اعلام آمادگی برای خودمدیریتی

سال ۱۳۹۷ جنبش کارگری در هفت تپه، پیشتازان خود را بر سکوه‌های اعتصاب، جلوه‌گر ساخت. اسماعیل بخشی یکی از آن پیشتازان بود. نان، کار، آزادی، خودمدیریتی شورایی! یک شعار انتزاعی نبود. «ما خودمان هفت تپه را اداره می‌کنیم!» یک اعلام خودمدیریتی کارگری

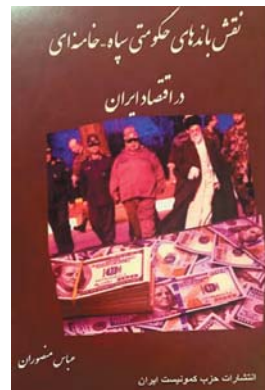
## نقش باندهای حکومتی سپاه - خامنه ای در اقتصاد ایران

گزارشی تحقیقی از سلطه جناحها بر بزرگترین بنگاه ها و مراکز اقتصادی در ایران را نشان دهیم و همزمان رقابت باندها و نیز حوزه های فرمانروایی آنان در شبکه ها و کانونهای سوداگری و استثمار را آشکار سازیم. هدف دیگر، نه افشاگری، بلکه نشان دادن گستردگی و حجم سرمایه و انباشتی است که در امپراتوریهای زیر فرمان و در تصاحب دو جناح - باند حکومتی که بسان طبقه در حکومت نیز حکمرانی می کنند، نشان دهیم. حکومتی که هم خود همانند طبقه در حکومت است و هم مانند همه ی حکومتهای سرمایه داری، نمایندگی و ابزار سرکوب و سلطه ی طبقه مسلط را به پیش می برد. این فساد و تروریسم نهادینه شده حاکم، تنها نتیجه تبه اندیشی خمینی نبود. تبه اندیشی خمینی ایدئولوژی چنین مناسباتی بود و ضرورتی برای دوام استثمار. سخنرانی ۲۶ مرداد ماه سال ۱۳۵۸ تنها پس از چهار ماه که از برپایی حکومت اسلامی می گذشت این ضرورت را آشکار اعلام کرد. در کشاکش حمله به شوراهای کارگری، نیروهای سیاسی ناپیوسته به حکومتاش، و در لشکرکشی به کردستان و حکم جهاد و گسیل ارتش و سپاه و خلخالی نقش باندهای حکومتی سپاه - خامنه ای در اقتصاد ایران برای کشتارها بود که فرمان کشتار را به پشتوانه آیه ها صادر کرد: اگر ما از اول ... قلم تمام مطبوعات را شکسته بودیم و تمام مجلات فاسد را تعطیل کرده بودیم و روسای آنها را به محاکمه کشیده بودیم و حزبهای فاسد را ممنوع اعلام کرده بودیم و روسای آنها را به سزای خودشان رسانده بودیم و چوبه های دار را در میدان های بزرگ برپا آورده بودیم و مفسدین و فاسدین را در آورده بودیم، ... اگر ما انقلابی بودیم اجازه نمی دادیم اینها اظهار وجود آند. تمام احزاب را ممنوع اعلام می آردیم، تمام جبهه ها را ممنوع اعلام می آردیم، یک حزب! و آن "حزب الله، حزب مستضعفین! و من توبه می کنم از این اشتباهی که کردم...." خمینی در ۲۸ مرداد دو روز پس از این فرمان در جمع کارگزاران حکومتی، روز ۲۸ مرداد فتوای کشتار در کردستان را صادر کرد و پیروان او از آن روز تا کنون به فرمان مذهبی و سیاسی وی به سود مناسبات طبقاتی پیروی کرده اند. او فرمان داد که همه جا کربلا به پا کنید و همه روزها عاشورا باشد! و این فرمان بحران سازی و مدیریت بحران و جاری ساختن خون و در سراسر ایران برپا سازی چوبه های دار بود. خمینی در همین سخنرانی که هرگز از رسانه های رژیم به طور کامل پخش نشد، گفت که «خدعه» کرده و وعده های وی زیر درخت سیبِ نوفل لوتاشو پاریس در سال ۵۷ برای برپایی چنین حکومتی بود...

برای سفارش و یا دریافت فایل پی دی اف این کتاب به آدرس جهان امروز تماس گرفته شود.

## معرفی کتاب:

این کتاب در ۳۲۸ صفحه، در پی کنکاشی یک ساله فراهم آمده، تا نقش دو جناح باندهای اصلی حکومتی، یعنی باند ولایت فقیه و باند نیروهای مسلح و سرکوب را در اقتصاد و جامعه نشان دهد.



### بخشی از موضوعات کتاب:

فرمان حکومتی سپاه برای سوداگری، نمونه های از کارتلهای عظیم سرمایه داری، ادامه ی واگذاریها، بنیاد مستضعفان انقلاب اسلامی، ستاد اجرائی فرمان امام، ستاد پیگیری فرمان هشت مادهای امام، گروه توسعه اقتصادی تدبیر[تات]، قراردادهای نفتی ستاد اجرایی فرمان خمینی، شاپرک، سازمان تأمین اجتماعی نیروهای مسلح (ساتا)، غدیر ... بنیاد تعاون سپاه، مؤسسه مالی و اعتباری انصار، بنیاد مهر، بانک «مهر اقتصاد» بسجیان، امپراتوری مالی خانواده ی صدر هاشمی نژاد، اختلاس از بنیاد شهید بابک زنجانی، شستا، نقش باندهای حکومتی سپاه - خامنه ای در اقتصاد ایران، سعید مرتضوی، آستان قدس رضوی، سازمان اقتصادی رضوی، مهتاب قدس، توریسم برای خرید برده جنسی در آستان قدس، فساد مالی، هولدینگ حرم عبدالعظیم سازمان اوقاف، مسجد جمکران، کمیته امداد «امام»، اسکله ها، محسن رفیقدوست، سید محمد غرضی، علی ربیعی، محمد شریعتمداری، حسین هدایتی، دولابی، علی انصاری، شهرام جزایری، ریخته گرانه، قویدل ها و مالباخته گان، گروه صنعتی فولاد، شرکت هپکو، نیشکر هفت تپه، نیشکر هفت تپه، نقش باندهای حکومتی سپاه - خامنه ای در اقتصاد ایران ۶ مافیای شکر در ایران، سلطه سپاه و خامنه ای بر صدا و سیما، نقش سپاه پاسداران در سوداگری مواد مخدر، سپاه و قاچاق هروئین به نیجری، قاچاق سپاه در آذربایجان، سپاه و کشتزارهای خشخاش در افغانستان، قاچاق شیشه در جنوب شرق آسیا، نمایندگی ولی فقیه در سپاه، شبکه های اینترنتی در دست نظامیان، مجتمع رسانه های اطلس، اشغال ورزش و تمامی ورزشگاهها، اتحادیه فوتبال ایران و سپاه پاسداران.

بیشتر آمارها و گفتاوردهای این کتاب از منابع حکومتی برگرفته شده اند و پیداست که این گزارش تنها قله ی از این کوه یخ را به نمایش میگذارد. آشکار است که کاستی هایی در این گزارش نیز وجود دارند و ناشدنی بود که تمامی دارایی ها و تصاحب کنندگان هستی جامعه و دسترنج کارگران و زحمتکشان را در همه ی حوزه ها و شبکه های گوناگون اقتصادی، مالی و دلالتی در یک کتاب گرد آورد. هدف این است که برای نخستین بار

یا مشارکت با سپاه پاسداران را از آتسین بیرون آورد. تمامی این طرح ها طراران حکومتی برای آن بود که طرح تعاونی کارگری را خشتی کنند. تجربه هفت تپه در روزهای اعتصاب تاریخی ۹۵ روزه، پیشنهاد تعاونی صد درصد کارگری را به رای گذاشت و ۴۴ درصد از مشارکت کنندگان به تعاونی و ۵۶ درصد به دولتی کردن رای دادند. با این همه آگاه گری پیرامون هریک از این گزینه به زمان و نیروی بیشتری نیاز دارد.

برای بسیاری از کارگران پیشتاز، این پرسش خودنمایی می کند: چرا عوامل کارفرما عامدانه دو نوع تعاونی کاملاً متضاد را با هم قاطی می کنند؟ در واقع دو طرح کاملاً متضاد از تعاونی برای جایگزینی مالکیت بخش خصوصی در هفت تپه پیشنهاد شد. یکی برای خشتی سازی طرح کارگران و به هدف واگذاری شرکت به عناصر یا نهادی شبیه اسدیگی ها. که کارگزاران حکومتی زیر نام «اهلیت» کارشناسی ضدکارگری آنان را به رسمیت می شناخت.

شنبه ۱۸ مرداد ۱۳۹۹ روز ۵۶ اعتصاب، سید عبدالنبی موسوی فرد، امام جمعه اهواز و نماینده ولی فقیه در خوزستان با حضور در جمع کارگران نیشکر هفت تپه ماموریت دیگری داشت. او آمده بود تا با فریب و همراه نشان داد از خلع ید از اسدیگی ها، مالکیت سپاه و یا بنیاد مستضعفین که زیر دست ولایت فقیه، و گسترده ترین شبکه های مالی و اقتصادی در خاور میانه را در بر گرفته است را دلالتی کند.

دو شعر از عباس سماگار

## طرح

سرزمینی ساخته ام

سرسبز

دل انگیز

سرشار از آزادی

نه آن دورها

همین جا

در تبعید

به اندازه یک کف دست

اما گاهی بزرگ می شود

خیلی بزرگ تر از رؤیای تلخ و تنهای

اتاق من

البته شبها وقت خواب

و الی

روزها

همین قدر است که بر آن به رزم برخیزم

باز یک لنگه پا

\*\*\*



## غول شعر

در باد فریاد پنهان

چنگ می زنم و به شعله های خیابانش می افکنم

خیابان

سختی سنگفرش را بر پوست ملتهب خود تحمل می کند

سنگ از سکوت می ترکد

فریادهای سرکشی از کلوگاه جوانی

رویش آرام جوانه بر شاخه نازک

نوازش پوسن سفت شکم و لبخند پنهان زن آبستن در تنهایی خانه

دویدن در سربالائی هفت تپه با داس

تا دست نوزادت به شیرینی نیشکر رنج برسد

آبان ماه و آبان زمین

از نقره شاعرانه خون رنگین است

چنین است حس پرتاب سنگینی سنگ در کف دست

آری

هنوز آبان است

\*\*\*



## جمهوری اسلامی برای واکسن کرونا نیز بودجه ای نمی دهد!

است فاز انسانی تولید واکسن کرونا هم موفقیت آمیز باشد. اقدامات نمایشی تا کنونی وزارت بهداشت رژیم در این رابطه مورد اعتراض زیادی قرار گرفت تا جایی که رضا ملک زاده معاون پیشین تحقیقات و فناوری وزارت بهداشت و درمان را به استعفا واداشت. او در نامه استعفایش سخنان وزیر بهداشت رژیم اسلامی در زمینه ساخت "واکسن کرونای ایرانی" را غیر علمی، غلط و پُرنقض دانست و وزارت بهداشت و درمان را عامل مرگ هزاران نفر بر اثر کرونا دانست.

رژیم جمهوری اسلامی که با بحران اقتصادی عمیقی دست به گریبان است، در رابطه با پاندمی کرونا "ردیف مستقلی در بودجه" ندارد و از تأمین امکانات لازم به آن عاجز است. در نتیجه به قول ملک زاده مسبب مرگ دهها هزار نفر و ابتلای نزدیک به یک میلیون مردم شده است. تا جایی که به سیل و دیگر حوادث طبیعی نیز مربوط می شود نه بودجه ای برای ترمیم و بازسازی بافت فرسوده سیستم آب و فاضلاب شهرها اختصاص داده و نه به لایروبی سدها و رودخانه های شهرها پرداخته است. در نتیجه با هر بارندگی در بسیاری از استانهای کشور سیل به راه می افتد و فاضلاب و لجن به سطح کوچه و خیابانها و منازل مردم سرازیر می شود و بر اثر آن نیز تلفات و خسارات جانی و مالی زیادی به مردم و سلامت بهداشت جامعه وارد می شود.

اما جمهوری اسلامی برای تداوم حاکمیت و پیشبرد سیاستهای ضد انسانیش در بودجه هر ساله دهها ردیف بودجه صدها هزار میلیارد تومانی هم برای تقویت و گسترش نیروهای سرکوبگر نظامی و امنیتی در داخل و هم برای پیشبرد سیاستهای توسعه طلبانه و اشاعه و گسترش بنیادهای خرافه مذهبی و ارتجاعی در خارج در نظر می گیرد. خبر گزارى رويترز در گزارش جامعی در ماه سپتامبر امسال فاش ساخت که جمهوری اسلامی بودجه های کلان ۵۰۰ و ۶۰۰ و ۶۵۰ میلیون دلاری برای پروژه های تحت عنوان مرمت اماکن مذهبی در کربلا، نجف، بغداد سامره و دمشق اختصاص داده است. چنین رژیمی مشروعیت و صلاحیت اداره جامعه را ندارد و توده های مردم کارگر و زحمتکش باید شورش را از سر خود و مردم ستمدیده ایران بر دارند.

۰۹،۱۲،۲۰۲۰



: "برای خرید و وارد کردن واکسن از خارج، لایحه بودجه سال آینده ردیف مستقلی ندارد اما در زیر مجموعه ردیف شیر خشک و دارو اعتباری برای آن تهیه شده است. امیدواریم که واکسن کرونا در ایران تولید شود و نیازی به خرید و واردات آن از خارج و جود نداشته باشد."

البته کل بودجه ردیف مورد نظر معاون سازمان برنامه و بودجه در سال آینده برای تأمین دارو و شیرخشک ۹۵۰ میلیارد تومان است که هزینه خرید و نقل و انتقال واکسن از خارج هم زیر مجموعه آن است. این درحالی است که روزنامه اعتماد بر آورد نموده که هزینه خرید و حمل و نقل واکسن برای مردم ایران از خارج در هر مرحله مبلغی معادل سیزده هزار میلیارد تومان است. به این ترتیب تا آنجا که به تأمین هزینه واکسن از خارج مربوط می شود، رژیم می خواهد هزینه تهیه واکسن را نیز به جیب خالی مردم



ستمدیده ایران تحمیل کند و خود بودجه ای به آن اختصاص نمی دهد. این رژیم ضد انسانی تا کنون حتی واکسن آنفلوآنزای معمولی را نیز با قیمت های گزاف به مردم فروخته است چه رسد به واکسن کرونا. متأسفانه در شرایطی که بیکاری و فقر و فلاکتی که رژیم به مردم ایران تحمیل کرده است، تأمین چنین مبلغی برای توده های مردم کارگر و زحمتکش ایران نیز به هیچ وجه امکان پذیر نیست و با تداوم حاکمیت رژیم اسلامی چشم انداز امیدوار کننده ای پیش رو نخواهد بود.

یکی دیگر از ترفند های فریبکارانه رژیم اعلام وجود طرح تهیه واکسن در داخل کشور است. به دنبال نمایش اختراع دستگاه ویروس یاب سپاه پاسداران که مورد تمسخر جامعه قرار گرفت، مینو محرز مسئول تحقیق باصطلاح "پروژه تولید واکسن ایرانی" اعلام کرد که امیدوار

روز سه شنبه ۱۸ آذر سخنگوی وزارت "بهداشت و درمان و آموزش پزشکی" جمهوری اسلامی اعلام کرد که در ۲۴ ساعت گذشته ۳۲۳ نفر دیگر بر اثر ابتلا به بیماری کرونا جان باختند و یازده هزار و ۲۳ نفر دیگر نیز مبتلا به بیماری کووید ۱۹ شناسایی شدند. گذشته از اینکه آمارهای رژیم اسلامی همیشه سه تا چهار برابر با آمار واقعی تفاوت دارند، همین آمارها نیز نشان از تداوم وخامت اوضاع این بیماری در ایران دارند. با وجود این و درحالی که بسیاری از کشورها با اختصاص بودجه های کلان برای خرید واکسن در فکر مقابله با این بیماری هستند، جمهوری اسلامی نمی تواند و نمی خواهد بودجه ای به این امر اختصاص دهد.

از سخنان ضد و نقیض و دروغپردازانه مسئولان دولتی چنین بر می آید که رژیم نه بودجه ای برای تأمین واکسن تعیین کرده و نه تلاشی برای دسترسی به واکسن انجام می دهد. جمهوری اسلامی همچنان می خواهد به بهانه تحریمها از زیر بار مسئولیت در قبال جامعه و جان مردم شانه خالی کند. روز دوشنبه ۱۷ آذر، همتی رئیس بانک مرکزی اعلام نمود "از آنجا که خرید واکسن کرونا بایستی از مسیر طرح رسمی سازمان بهداشت جهانی برای توزیع عادلانه واکسن ( کوواکس ) انجام گیرد، تا کنون هر طریقی برای پرداخت و انتقال ارز و اخذ مجوز برای ایران با مانع تحریم مواجه شده است. این دروغپردازی رئیس بانک مرکزی رژیم در حالی است که روز جمعه گذشته سخنگوی "کوواکس" اعلام نمود: "هیچ مانع قانونی بر سر راه ایران برای تهیه واکسن وجود ندارد و ایران توانسته مجوز لازم برای پرداخت هزینه های خرید واکسن را دریافت کند."

در واقع مانع اصلی بر سر راه دسترسی مردم ایران به واکسن کرونا خود جمهوری اسلامی است که نه بودجه ای به آن اختصاص می دهند و نه برنامه ای برای تهیه واکسن دارد. از طرفی سخنگوی سازمان برنامه و بودجه از اختصاص یک هزار میلیارد تومان برای خرید واکسن کرونا خبر می دهد از طرف دیگر معاون امور علمی و اجتماعی آن سازمان اعلام نمود که

## اطلاعیه کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران

### به مناسبت ۱۶ آذر روز دانشجوی (۱۳۹۹)



بخشیدن به یک افق انقلابی و فرای نظم حاکم بازی کند. اکنون دیگر دانشجویان از مقاومت و ایستادگی جامعه در دیماه نود و شش و آبان نود و هشت نیرو می‌گرفتند. آنان به پژواک فریاد اعتراض کارگران هفت تپه، فولاد اهورا، هپکو و آذرباب و به پژواک فریاد همه آنانی که در دل فقر و فلاکت حاکم به قعر جامعه پرتاب شده بودند، تبدیل گردیدند.

جنبش دانشجویی، کشتار آبان ۹۸ را تجربه کرد و خود بخشی از قربانیان این کشتار وحشیانه بود. بی جهت نبود که همان زمان در فاصله روزهای این جنایت هولناک و شانزدهم آذر عمیقترین رابطه خود را با مردم بیان داشتند. آنان بر پرچم‌های خود نوشتند که: "مایقین داریم که بار دیگر مشتهای گره کرده مان علیه کشتار خونین معترضین خیابان، بازداشت رفقانمان و تداوم سلطه ستم و استثمار است که دانشگاه را به طنین صدای رهائی و برابری بدل خواهد ساخت."

بدون تردید مراسم‌های شانزدهم آذر امسال در شرایط متفاوت تری برگزار میشوند. نه تنها جنبش دادخواهی علیه جنایات رژیم در رویارویی با خیزش آبان در سایه بحران کرونا به حاشیه رانده شده، نه تنها ویروس کرونا در نتیجه درماندگی حاکمان سرمایه همه روزه قربانیان بیشتری را در چنگال خود فرو برده است، بلکه هم زمان در هفته‌های اخیر موج گسترده‌ای از سرکوب اعتصابات و اعتراضات کارگری، دستگیری و به بند کشیدن فعالین اجتماعی به راه افتاده است. اگر در آبانماه امسال همه این شرایط فلاکت‌بار و سرکوب‌گر عریان به مردم اجازه نداد که آبان دیگری را بیافرینند، ولی چرا جنبش دانشجویی نتواند در شانزدهم آذر فریاد رسای همه آنهایی گردد که فریادشان در گلو خفه شده است.

جنبش دانشجویی با تاریخ و سنتهای خود نشان داده است که میتواند با هوشیاری، ابتکارات و خلاقینهای خویش نقش ارزنده‌ای در میدان نبرد میان آفرینندگان ثروت و غارتگران ثروت داشته باشد. شانزدهم آذر را به روز گستراندن افق اتحاد جنبش دانشجویی با جنبش کارگری تبدیل کنیم. فراموش نکنیم که شعار "اتحاد، مبارزه، پیروزی" سنت شصت و هفت ساله در این جنبش دارد.

**گرامی باد شانزدهم آذر روز دانشجوی**

**سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی**

**زنده باد آزادی، برابری، حکومت کارگری**

کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران

دهم آذر ۱۳۹۹

نوامبر ۲۰۲۰



در آستانه شصت و هفتمین سالگرد شانزدهم آذر قرار گرفته ایم و این نه تنها یادآور یک روز درخشان تاریخی برای جنبش دانشجویی است بلکه همه این سالها، تاریخ سوخت و سازهای یک جنبش اجتماعی است که خود را وظیفهمند جهت دخالت در کشمکش‌های سیاسی و طبقاتی، در جنگ و جدال بین انقلاب و ضد انقلاب و در چالشهای گفتمانهای سیاسی و فکری بین رادیکالیسم و رفرمیسم دانسته است. اگر در بیست و هشت مرداد سال ۱۳۳۲ در مقابله با رژیم کودتا دست به مقاومت زده و قربانی می‌دهد، همین نقش را در زمان تعرض ضدانقلاب برآمده از انقلاب ۱۳۵۷ تحت عنوان "انقلاب فرهنگی" به سنگر دانشگاه نیز بازی میکند. تسخیر این سنگر اما هیچوقت نتوانست سنت مبارزهجویانه و گرایش به چپ این جنبش را نابود سازد. دیدیم که در سال ۱۳۷۸ و در دل تسلط گفتمان اصلاح طلبان حکومتی یکبار دیگر دانشجویان نرده‌های فولادین دانشگاهها را شکافته و به خیابان آمدند. سرکوب خونین خیزش دانشجویان و هم‌اوائی هر دو جناح رژیم در این سرکوب، خود زمینه ساز عقب راندن بازوهای باندهای رژیم و بسته شدن نطفه‌های عروج مجدد سنت‌های انقلابی در جنبش دانشجویی گردید. این تحول نشان داد که ضرورت مقابله با خصوصی سازی و کالائی کردن آموزش عالی، درهم شکستن فضای امنیتی حاکم بر دانشگاهها و مقابله با تفکیک جنسیتی، تنها میتواند با بازگشت به سنتهای انقلابی دانشجویان پاسخ خود را بگیرد. این بازگشت را به روشنی هم در زیر پوست دانشگاهها و هم حضور دانشجویان در مراسم‌های هشت مارس و اول ماه مه آن سالها میتوان دید.

تاریخ اما در دیماه ۹۶ ورق خورد و آن امری که در سالهای بعد از سرکوب ۷۸ در دل دانشگاه نطفه بسته بود، اینبار با طنین نیرومند فریاد "اصلاح طلب، اصولگرا، دیگه تمامه ماجرا" پایان سلطه گفتمان اصلاح طلبان حکومتی را اعلام کرد. این البته تنها بیان یک گسست از گفتمان‌های حاکم نبود، بلکه بیانگر آن بود که دانشگاه مجددا خود را به جنبش‌های رادیکال اجتماعی پیوند داده و به آن سوئی حرکت میکند که باید به مثابه یک جنبش رادیکال اجتماعی نقش خود را در مادیت



کو مه له

[www.komalah.org](http://www.komalah.org)



حزب کمونیست ایران

[www.cpiran.org](http://www.cpiran.org)



از سایت‌های

حزب کمونیست ایران و کومه له

دیدن کنید!